

مطالعه کیفی سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی: مطالعه جوانان شهر مهاباد

امید قادرزاده، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان*

سید فهیم ایراندوست، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

چکیده

شهر مهاباد از نظر تراکم نشانگان فرهنگ قومی، شیوه‌های مصرف و سبک‌های زندگی همواره مورد توجه دیگر شهرهای کُردنشین و حتی غیر کُردنشین بوده است. تغییر و دگرگونی‌های ناشی از توسعه، موقعیت خاص جغرافیایی این شهر و وجود امکانات مناسب در مقایسه با دیگر شهرهای کُردنشین، باعث مهاجرت فراوان مردم از شهرها و روستاهای اطراف به این شهر شده است. این پژوهش برای سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی در بین جوانان پسر شهر مهاباد، با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، کنش‌ها و ایده‌های شکل‌دهنده سبک زندگی را بررسی می‌نماید. در بخش نظری، با استفاده از آرای اندیشمندان مختلف در حوزه مصرف و سبک زندگی چارچوبی مفهومی تنظیم و برای سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی استفاده شده است. روش کار، کیفی (نظریه مبنایی) است، و داده‌های میدانی با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و معیار اشباع نظری در بین ۲۵ نفر از جوانان پسر ۱۸ تا ۲۹ سال شهر مهاباد گردآوری شده‌اند. یافته‌های به‌دست آمده، شامل شش سبک زندگی به شرح ذیل است: پیشامدرن، مدرن، علمی، ورزش محور، شادزیست و جهان‌محلی. واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، تمایز اجتماعی، جوانان، روش کیفی، مهاباد.

مقدمه و بیان مسأله

در هر حوزه‌ای از علم، تجزیه و تحلیل واقعیت‌ها و شرایط حاکم، با بهره‌گیری از واژگان و اصطلاحات تخصصی آن حوزه میسر است، اما در هر شاخه تخصصی‌ای از علم (از جمله جامعه‌شناسی) برخی مفاهیم و اصطلاحات وجود دارد که در برهه و دوره‌ای زمانی کاربرد و قدرت تبیین‌کنندگی دارند، لیکن همین مفاهیم با تغییر و تحولات و پویایی‌های اجتماعی ارزش و جایگاه خود را از دست می‌دهند. با ورود مفهوم سبک زندگی به ادبیات جامعه‌شناسی در دهه ۱۹۲۰، در آغاز این مفهوم معرف ثروت و موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد بود و آن را به مثابه شاخصی برای سنجش طبقه اجتماعی به کار می‌بردند. قدیمیترین مقیاس برای مطالعه طبقه، مقیاس اتاق‌نشین بود که با افکار چاپین^۱ درباره منزلت اجتماعی شکل گرفت. به نظر چاپین، لوازمی که در اتاق نشیمن وجود دارند، منعکس‌کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی، منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است (چاپین، ۱۹۳۵؛ به نقل از چاوشیان، ۱۳۸۱). در این مقیاس با بررسی چهار مؤلفه مذکور، طبقه اجتماعی افراد از بسیار پایین تا قشر بالایی طبقه متوسط دسته‌بندی می‌شد، اما به مرور مقیاس منزلت اجتماعی برای شناخت و سنجش طبقات اجتماعی زیر سؤال رفت و سرانجام کنار گذاشته شد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۱۰-۱۱).

با رشد و شکوفایی اقتصادی در آغاز دهه ۱۹۵۰، نگاه به سبک زندگی و مصرف نیز دگرگون شد و مصرف بیش از تولید اهمیت یافت (مانولیس^۲، ۲۰۰۱: ۲۲۸). در واقع، فرهنگی که بر کار سخت و انباشت ثروت تأکید داشت، اینک پرچمدار مصرف، لذت و ابراز وجود بود (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۱۲). اهمیت و توجه به سبک زندگی و مصرف تا آنجا تداوم یافت که امروزه «چگونه مصرف‌کننده بودن» از «چه جایگاهی داشتن» مهم‌تر است. به قول باکاک، «سبک زندگی و مصرف دیگر فقط یک روند اجتماعی - فرهنگی نیستند، بلکه به فرآیندی تبدیل

شده‌اند که از خلال تأثیرات آنها در جوامع مختلف، می‌توان به برآمدن دوران و عصر نوینی در جهان پی برد (باکاک، ۱۳۸۱: ۳). البته، قبل از جنگ‌های جهانی اول و دوم نظریه‌پردازانی نظیر ویلن و زیمیل به بحث درباره پدیده‌هایی نظیر مصرف مظاهرانانه، تن‌آسایی و فراغت، مدگرایی و پیامدها و کارکردهای آنان پرداخته بودند، اما به علت تبعات ناشی از این جنگ‌ها، این بحث‌ها تا حدود زیادی به فراموشی سپرده شد. دلیل اصلی توجه دوباره به سبک زندگی افزایش تولید کالاهای تجملی، ظهور جامعه مصرفی و اهمیت یافتن فزاینده مصرف و تغییر در سبک‌های زندگی بود (همان: ۲). اما ریمر^۳، دهه ۱۹۸۰ میلادی را آغاز توجه دوباره به مفهوم سبک زندگی می‌داند و چهار دلیل برای این مسأله بیان می‌دارد: ۱- فرآیند گسترده و رو به فزونی «فردی شدن» که در شرایط پیچیده و به سرعت در حال تغییر جهان، حق انتخاب و آزادی عمل بیشتری به افراد مخصوصاً جوانان بخشیده است؛ ۲- رشد و پیشرفت طبقه متوسط و تحصیل کرده‌ای که آشکارا به سوی اوقات فراغت، سرگرمی و مصرف گرایش دارند؛ ۳- افزایش روزافزون بحث‌های دانشگاهی و علمی درباره پست مدرنیسم که ظهور ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های زندگی جدید در آن نقشی اساسی دارد. ۴- نقش اساسی آثار و نوشته‌های بورديو در باب مصرف و سبک زندگی به‌ویژه کتاب برجسته‌اش یعنی «تمایز» (ریمر، ۱۹۹۵).

جدا از مناقشه بر سر زمان دقیق تجدید حیات مفهوم سبک زندگی می‌توان این نکته را یادآوری کرد که با گسترش فرهنگ مصرف و مصرف‌گرایی، سبک زندگی بار دیگر به مثابه مفهومی که نشان‌دهنده رویکرد تحلیلی تازه‌ای به مبحث قشربندی و تمایز اجتماعی بود، وارد ادبیات علوم اجتماعی شد و حوزه گسترده‌ای از پژوهش‌های اجتماعی را در بر گرفت که به استفاده از کالاهای مصرفی برای تمیز و تثبیت هویت اجتماعی مربوط می‌شد. این تغییرات حاکی از تغییر در عوامل و بنیان‌های آفریننده هویت اجتماعی بود، زیرا در

¹ Chapin² Manolis³ Reimer

جامعه‌شناسی، اساس و شالوده‌ی شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد را در جوامع سنتی و پیشامدرن، ویژگی‌های انتسابی (خانوادگی، ایلی و خونی) می‌دانند که بر مبنای آن هویت امری ثابت، پایدار و تغییرناپذیر است، اما در جامعه مدرن جامعه‌شناسان دو پاسخ به این مسأله داده‌اند. در یک رویکرد که متأثر از نظریه‌های مارکسیستی است، جایگاه فرد در نظام تولید و ساختار اجتماعی (طبقه اجتماعی) و در رویکرد دیگر، رفتارها و انتخاب‌های مصرفی (سبک زندگی) مبنا و شالوده شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد قلمداد می‌شود (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵ و ۱۱). اندیشمندانی نظیر بوردیو، گیدنز و فدرستون سبک زندگی را شکل اجتماعی نوینی می‌دیدند که صرفاً در بطن تغییرات و تحولات فرهنگی دنیای مدرن و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی، استقلال عمل فردی و آزادی‌های افراد برای انتخاب قابل فهم است و می‌تواند فرآیند هویت بخشی به فرد را انجام داده، جایگزینی برای مفهوم طبقه اجتماعی باشد. گیبینز و بوریمر نیز، تأکید دارند که در عصر پست مدرن سبک‌های زندگی از سویی، بسیار متکثر و متنوع شده و فرد پیوسته بین حوزه‌های خصوصی و عمومی در حرکت است و از سوی دیگر، خود سبک‌های زندگی بسیار سریع تغییر می‌کنند (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۴: ۱۰۷ و ۱۱۸).

در بررسی و تحلیل سبک زندگی، توجه به جوانان اهمیت بسیاری دارد. دنیای مدرن، همزمان با تحمیل فشارها و مشکلات فراوان، فرصت‌های جدیدی نیز پیش روی جوانان می‌نهد. در مدرنیته متأخر، مسیرها متنوع، چرخه‌ای و برگشت‌پذیرند و همین ویژگی‌ها امکان تجدید نظر و بازاندیشی را برای جوانان فراهم کرده، آنان را در تعیین مسیر و سبک زندگی‌شان مختار می‌سازد. از سویی، خواسته‌ها و ظرفیت‌های زیاد دنیای مدرن آنها را تحریک و تشویق می‌کند و از سوی دیگر، با مشکلاتی مانند عدم اشتغال، مشکلات تأخیر در ازدواج، مشکل مسکن، ضرورت کسب مهارت‌های جدید و محدود شدن به سبک‌های زندگی معین مواجه هستند. «واکنش معمول جوانان به این وضعیت گسترش میدان

تجربه حال (زندگی روزمره) است» (ذکایی، ۱۳۸۷: ۶۸). و این میدان تجربه حال دقیقاً همان عرصه‌ای است که جوانان می‌کوشند که در آن احساس بی‌قدرتی خود در حوزه‌های دیگر را با انتخاب‌ها و گزینش‌هایی جدید، به‌ویژه در حوزه سبک زندگی جبران کنند؛ جوانان امروزی آشکارا مصرفی‌تر شده‌اند و زندگی را برای حال می‌خواهند، هدف‌شان بیشتر لذت از زمان کنونی است و به فرصت‌های زندگی چندان اعتقاد ندارند. ارزش‌هایی که برای جوانان اولویت دارد، بیشتر از زیبایی دوستی تأثیر می‌پذیرد و توجه به معیارهای اخلاقی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. جوانان آزادی و استقلال عمل دارند و دوست دارند آزمایش و خطا را تجربه نمایند، الگوهایی که بیشتر می‌توانست نقش راهنما را برای آنها داشته باشد، تأثیر تعیین‌کنندگی کمتری دارند. زیبا سازی خویش و جاذبه‌ها و ارزش‌های زیبایی شناختی فراوانی وجود دارد که با دوره جوانی پیوند یافته‌اند و تلاش برای تحقق آنها برای جوانان بسیار حائز اهمیت است (ذکائی، ۱۳۸۹). به‌طور کلی، در جامعه کنونی ما جوانان چالش برانگیزترین و مهم‌ترین قشر جامعه هستند و تغییرات مختلف، آنها را بسیار متأثر ساخته و سبک‌های زندگی نوینی برایشان به همراه داشته است.

بنا بر آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۸۵ ش. حدود ۳۵/۴۱ درصد کل جمعیت کشور را جوانان بین ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و این بیانگر آن است که جوانان و مسائل مرتبط با آنان از چالش‌های اساسی جامعه است. علاوه بر این، «در عصری که جهانی شدن نام دارد، جوانان بیش از هر قشر اجتماعی دیگری از روند و تحولات ناشی از آن تأثیر می‌پذیرند و البته بر آن تأثیر هم می‌گذارند. آنان فرهنگی را شکل می‌بخشند که دارای ارزش‌ها، باورها و هنجارهای خاص خود در برابر فرهنگ حاکم و مسلط است. بروز این فرهنگ را می‌توان در کنش‌ها، ذائقه‌ها و سبک زندگی جوانان ملاحظه نمود» (شهابی، ۱۳۸۲: ۶).

براین مبنا، در پی سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی جوانان شهر مهاباد هستیم. سؤال اساسی این است که در بین جوانان

شهر مهاباد چه نوع سبک زندگی‌هایی رواج دارد؟ و این‌که افراد بسته به جایگاه اجتماعی خود، چه نوع سبک زندگی‌هایی را اختیار می‌کنند؟ روی آوردن جوانان به سبک‌های مختلف، چگونه باعث ایجاد تمایز اجتماعی می‌شود؟ و بالاخره، سبک‌های زندگی چگونه هویت اجتماعی افراد را شکل می‌بخشد؟

اهمیت و اهداف

ضرورت توجه به جوانان در جهان امروزی انکار نشدنی است، زیرا شتاب و تنوع تغییراتی که جامعه در حال گذار ایران تجربه می‌کند و تحولات ساختاری و نهادی آن، ابعاد پیچیده و مهم‌تری به مسائل جوانان بخشیده است؛ تحول در دوره جوانی، فردی شدن فزاینده و استقلال نسبی جوانان در خانواده، تحول در آموزش و فرصت‌های تحصیلی، وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی، سهم برجسته و تعیین کننده جوانان در جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی و پیشگامی در پذیرش نوآوری‌ها، به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، اهمیت یافتن مصرف در منظومه ارزشی و هویتی جوانان، رواج خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های متنوع زندگی و...، از جمله تحولاتی است که ضرورت بررسی مسائل مختلف جوانان را با اهمیت می‌سازد (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳؛ ذکائی، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۶b؛ ۱۳۸۷).

اما بحث اساسی‌تر سبک زندگی است. ورود هر پدیده‌ای تغییرات بنیادین و گسترده‌ای در زندگی، احساس، تفکر، شیوه زندگی و فرهنگ انسان‌ها به وجود می‌آورد. این مسأله در جامعه ما نیز نمود یافته است؛ فرهنگی جدید در حال شکل‌گیری است که حق انتخاب فراوانی به افراد می‌دهد و آنها را تنوع‌طلب بار می‌آورد. «نگاهی به سیمای شهرها (به‌ویژه شهرهای بزرگ کشور و حتی مناطق کردنشین) این مسأله را به خوبی نمایان می‌سازد. خیابان‌ها و مغازه‌هایی که روزی محل عرضه محصولات میوه‌فروش‌ها، بقال‌ها و ابزارفروش‌ها بود، اینک به محل تجارت شمار بسیاری از

فروشگاه‌های لباس مد روز، مجتمع‌های تجاری - تفریحی، رستوران‌ها و... تبدیل شده و فضای شهرها به میدان پرسه‌زنی و جولان جوانان تبدیل گردیده است (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۵). این جامعه‌ای که توصیف شد و مناطق کردنشین نیز بخشی از آن به شمار می‌آیند، به سوی توسعه گام برمی‌دارد و یکی از ویژگی‌های جوامع در حال گذار، متزلزل شدن ساختارها و شالوده‌های سنتی جامعه و به تبع آن به زیر سؤال رفتن هویت اجتماعی است. در این شرایط «جوانان با دشواری شکل دادن به هویت خود روبه‌رو هستند، زیرا مانند نسل‌های پیشین، قالبی از پیش تعیین شده در اختیار ندارند» (شفرز، ۱۳۸۹: ۱۱۵). بنابراین، تنها راه چاره را اقدام خود برای شکل دادن دوباره به هویت و بازتعریف مجدد آن می‌دانند و یکی از عوامل و فاکتورهای بسیار مهم در شکل دادن به هویت، سبک زندگی است. جوانان با استفاده از عوامل متعددی، نظیر: «مصرف فراوان فرهنگ، تولید فراوان فرهنگ و بازتولید فعالیت‌های فرهنگی، هویت اجتماعی خویش را تعیین می‌کنند» (وین و وایت، ۱۹۹۷: ۸۶). بنابراین، بررسی وضعیت هویت اجتماعی جوانان و چگونگی شکل‌گیری و بازتعریف آن در شرایط کنونی تحت تأثیر سبک زندگی حائز اهمیت و توجه است.

باید این نکته را نیز مطرح کرد که با بررسی و تحلیل مفهوم سبک زندگی می‌توان از نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌های پنهان که در ذهن، باور و کردارهای جوانان وجود دارد، اطلاع یافت. بر همین مبنا، دغدغه و نگرانی مسؤولان کشور در حوزه مسائل، بحران‌ها و تحولات فرهنگی را می‌توان با بررسی سبک‌های زندگی جوانان کم کرد و در راستای مدیریت بحران‌ها گام برداشت (حاجبانی، ۱۳۸۶: ۱۰). همان‌طور که چینی^۱ معتقد است، هر گونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت اجتماعی، مستلزم کشف چشم‌اندازهای بی‌شمار سبک زندگی مردم [و جوانان] جامعه است (چینی، ۲۰۰۲: ۶۱). علاوه بر این موارد، باید این نکته را

^۱ Chaney

هستند که اقشاری از طبقات مرفه آن را الگوی خود قرار می‌دهند.

محمود شهابی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌های زندگی جهان‌وطنانه در میان جوانان و دلالت‌های سیاسی آنها»، با استفاده از روش کیفی (و بهره‌گیری از مفهوم تیپ ایده‌آل وبری) سبک‌های زندگی جوانان ایرانی را تیپولوژی کرده است؛ سبک زندگی هموایانه که در چارچوب آن، جوانان ایرانی اکثر مفاهیم و عناصر مطرح شده در فرآیند جامعه‌پذیری را درونی می‌کنند. سبک زندگی جهان‌وطنانه که جوانان براساس آن، لذت طلبی لحظه‌ای، جستجوی غیر مسئولانه لذت و مُدگرایی و ماجراجویی و به تبع آن شرکت در مهمانی‌های خصوصی، الگوپذیری از ستاره‌های موسیقی، فیلم و ظاهرآرایی را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند. سبک زندگی بسیجی، که زندگی جوانان معتقد به آن، عمدتاً در ارتباط با مکان‌هایی نظیر مساجد و مکان‌های مذهبی و نظامی شکل می‌گیرد.

حمیدی و فرجی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «سبک زندگی و پوشش زنان تهران»، این پرسش را مطرح می‌کنند که در جامعه چه سبک پوشش‌هایی وجود دارد و منطق حاکم بر پوشش زنان چیست. نتایج حاصل از پژوهش که با بهره‌گیری از روش مصاحبه انجام شده است، نُه تیپ سبک پوشش را نشان می‌دهد که با سه نوع سبک زندگی ارتباط دارند: اول، سبک زندگی سنتی که اکثریت زنان جامعه این سبک زندگی را دارند و چندان به انتخاب لباس و پوشش به مثابه امری اجتماعی نمی‌نگرند (تیپ‌های حجاب به مثابه تکلیف، حجاب به مثابه ایدئولوژی و حجاب سنتی). دوم، سبک زندگی مبتنی بر هویت که شامل افرادی است که درباره ابعاد متنوعی از لباس و پوشش دست به بازاندیشی می‌زنند (تیپ‌های حجاب بازاندیشانه، پوشش به مثابه سبک زندگی، فشن لس^۱ و پوشش فمینیستی). سوم سبک زندگی مبتنی بر تمایز که دربردارنده نگرش‌ها و عقایدی است که فرد با قبول

افزود که در ایران و البته در مناطق کردنشین در زمینه سبک‌های زندگی و به‌ویژه سنخ‌شناسی آنها تحقیقات اندکی صورت گرفته، و غالب تحقیقات بخشی از آن را مطالعه نموده‌اند (آزاد ارمکی و شالچی، ۱۳۸۴؛ حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶؛ محمدی، ۱۳۸۸؛ ازدست؛ ۱۳۸۸). از این رو، بررسی و شناسایی سبک‌های زندگی به عنوان کلیتی اساسی که زندگی انسان‌ها را بازمی‌نمایاند، ضروری به نظر می‌آید.

براین مبنا، پژوهش حاضر در پی آن است که با ارائه نظریه‌های مختلف در باب سبک زندگی و بیان چارچوب مفهومی و استخراج مفاهیم اصلی سبک زندگی (بر مبنای آرای اندیشمندان و تحقیقات تجربی مرتبط با موضوع)، به تحلیل و در نهایت سنخ‌شناسی سبک‌های موجود در بین جوانان شهر مهاباد پردازد. علاوه بر هدف کلی مذکور، چند هدف جزئی نیز مد نظر هستند که عبارتند از: بررسی تأثیر جایگاه اجتماعی بر گزینش سبک‌های زندگی از سوی جوانان. تحلیل فرآیند ایجاد تمایز اجتماعی به واسطه انتخاب سبک‌های زندگی متفاوت و تحلیل چگونگی شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان به واسطه سبک زندگی.

پیشینه تحقیق

آزاد ارمکی و شالچی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «دو جهان ایرانی؛ مسجد و کافی شاپ»، با استفاده از الگوی تبیینی بوردیو و دو روش پیمایش و مشاهده به بررسی تطبیقی دو سبک زندگی اصول‌گرایی انقلابی و پسامدرن در میان جوانان منطقه ۳ تهران می‌پردازند. براساس یافته‌های پژوهش سبک زندگی اصول‌گرایی انقلابی متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. نفی مصرف‌گرایی غربی، تأکید بر ارزش‌های اسلامی، اجتناب از روابط با نامحرم و دوری از مُدگرایی برخی ویژگی‌های این سبک هستند. از سوی دیگر مُدگرایی، گسترش ارتباط با جنس مخالف و تأثیرپذیری از جریان‌های جهانی مصرف، از جمله خصوصیات سبک زندگی پسامدرنی

¹ fashionless

آنها می‌کوشد تا با انتخاب لباس خود را از دیگران متمایز کند (تیپ‌های حجاب زیبایی‌شناختی و پوشش مُد محور (تیپ اینترنتی).

از دست (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خویش با عنوان سبک زندگی و مصرف موسیقی، فیلم و کتاب؛ مطالعه جوانان شهر مهاباد، با بهره‌گیری از الگوی نظری بوردیو به مطالعه رابطه سبک زندگی و چگونگی مصرف موسیقی، کتاب و فیلم در شهر مهاباد می‌پردازد. وی جامعه آماری خود را جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله دو منطقه از شهر انتخاب نموده که یکی مرفه‌نشین (فرهنگیان) و دیگری فقیرنشین (پشت‌تپ) است. مسأله پژوهش وی آن است که مصرف موسیقی، فیلم و کتاب می‌تواند عامل نابرابری و تمایز میان سبک زندگی شمال (فرهنگیان) و جنوب (پشت‌تپ) باشد. روش مورد استفاده کیفی با تکنیک مصاحبه عمیق بوده و با ۴۰ نفر از جوانان این دو منطقه (۲۰ دختر و ۲۰ پسر) مصاحبه انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجود سرمایه فرهنگی در بین افراد مورد مطالعه، عامل مهمی در تمایز و نابرابری میان این دو سبک زندگی به شمار می‌رود. افراد سبک زندگی شمال به علت دارا بودن سرمایه فرهنگی (تحصیلات دانشگاهی) و پدرانی که سرمایه فرهنگی دارند، به مصرف موسیقی، فیلم و کتاب متعالی و ارزشمند گرایش دارند و خود را از افراد سبک زندگی جنوب متمایز می‌کنند.

فدرستون^۱ (۱۹۹۱) در کتاب زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره به بررسی و تبیین جایگاه سبک زندگی در زندگی روزمره می‌پردازد. با ارجاع به مفهوم زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره، بر ایماژها و نشانه‌هایی تأکید می‌ورزد که با شیوع سریع خود و با هدف زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره، اجزای متشکله جامعه امروزی را در خود غرق می‌کنند. وی با استفاده از مباحث و آرای بوردیو و بودریار سبک زندگی خاص القا شده را مورد توجه قرار می‌دهد.

بنیامین باربر^۲ (۱۹۹۶) در کتاب جهاد و مک ورلد^۳ سبک‌های زندگی جوانان را بررسی و از دو واژه استعاری برای توصیف عملکرد دو روند همزمان در جهان استفاده می‌کند: جهاد و مک ورلد. به عقیده باربر از یک طرف شاهد روند محلی‌سازی، خاص‌گرایی یا سیاست هویت (در اشکال دینی، قومی و نژادی) هستیم که شامل همه اشکال مخالفت بنیادگرایانه با تجدد می‌شود و در ادیان و مذاهب اسلام، پروتستانیسیم، کاتولیسم و دیگر ادیان وجود دارد (جهاد) و از طرف دیگر، شاهد یک بازار اقتصادی توسعه طلب و جهانی‌ساز از طریق اقلام مصرفی و فرهنگ عامه پسند هستیم که قصد همگون‌سازی فرهنگ‌های محلی و ادغام آنها در فرهنگ جهانی را دارد.

وین^۴ (۱۹۹۸) در کتابی با عنوان: فراغت، سبک زندگی و طبقه متوسط جدید، در پی بررسی ساختار اجتماعی هویت طبقه متوسط جدید انگلستان با بهره‌گیری از رویکرد بوردیویی است. روش‌های مورد استفاده وی، قوم‌نگاری، مصاحبه و پرسشنامه هستند و جامعه آماری اش ساکنان واقع در یک مجتمع مسکونی با نام «هت»^۵ هستند. یافته‌ها حاکی از آن است حوزه‌ای که هویت اجتماعی طبقه متوسط را شکل می‌دهد، بیشتر با تجربه مرتبط با فراغت و مصرف فرهنگی آنان در ارتباط است تا تجربه مرتبط با فعالیت تولیدی ایشان. تحول این موقعیت باعث می‌شود که طبقه متوسط جدید تا اندازه‌ای به عنوان تعیین‌کننده اصلی هویت خودشان به حساب آید.

مایکرافت^۶ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «مصرف فرهنگی و افسانه سبک زندگی»، از پنج سنخ سبک زندگی بحث می‌نماید که عبارتند از: اول، سبک‌های زندگی باشکوه و بلندآوازه؛ ریشه این سبک زندگی در عملکردهای سرمایه‌داری است و مظهر نابرابری اجتماعی، استثمار و حریص بودن و

² Benjamin Barber

³ Jihad versus McWorld

⁴ Wynne

⁵ Heath

⁶ Maycroft

¹ Featherstone

تجلی فرهنگ مصرف‌گراست؛ دوم، سبک زندگی قومی که بسیاری آن را پیروی از الگوی زندگی قوم خود شامل: خوردن غذاهای سنتی، پوشش قومی، پیروی نکردن از مظاهر مدرن نظیر خوردن غذاهای جدید یا پوشش غربی و اموری از این قبیل می‌دانند؛ سوم، سبک زندگی ناسالم است که شامل فعالیت‌هایی می‌شود که احتمال افزایش سرطان و بیماری‌های قلبی را افزایش می‌دهند؛ چهارم، سبک زندگی دیجیتالی، سبکی که در آن اهمیت وقت فرد، اشتغال اصلی و فعالیت‌های فراغتی‌اش، یا پرورش منافع عمومی او، سرشار از مصرف کالاها، خدمات یا تجارب دیجیتالی نشان داده می‌شود. این امر می‌تواند شامل استفاده مداوم از رایانه شخصی، دوربین دیجیتالی، تلفن همراه، دسترسی منظم به اینترنت و ایمیل باشد. مورد آخر، سبک زندگی به مثابه کنترل سیاسی و اجتماعی است. فعالیت‌ها و باورهای وجود دارند که پتانسیل افراطی بودن آنها با جایگزینی سبک‌های زندگی دیگری کم‌رنگ می‌شود؛ مثلاً، برای کسی که با برجسب سوسیالیست افراطی برای تغییر اجتماعی شناخته می‌شود، اتخاذ سبک زندگی جایگزین عمیقاً برایش توهین‌آمیز است، اما فرد آن محکومیت سیاسی را به سطح زندگی‌ای شکل گرفته حول محور خرید و مصرف (کالا و فرهنگی) تبدیل می‌کند.

چارچوب مفهومی - نظری

در حوزه علوم اجتماعی، برخی از مفاهیم و اصطلاحات وجود دارند که بررسی ادبیات نظری مرتبط با آنها کار دشواری نیست و محقق می‌تواند نظریه‌های مربوطه را به راحتی دسته‌بندی و تشریح نماید (نظیر مفاهیم شکاف نسلی، طبقه اجتماعی، قشربندی اجتماعی و ...). اما مفهوم سبک زندگی این خصوصیت را ندارد و تنوع و فراوانی آراء و اندیشه‌های راجع به آن به حدی است که محقق دچار دلزدگی و تا اندازه‌ای سردرگمی می‌شود. با وجود این، در این پژوهش سعی می‌شود بیشتر به تئوری‌هایی پرداخته شود که به مفهوم سبک زندگی یا مؤلفه‌های اساسی آن توجه دارند.

وبلن، در کتاب *نظریه طبقه تن‌آسا*، طبقه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن افراد تن‌آسایی و رفاه خود را نمایش می‌دهند و مصرف را نه برای رفع نیاز، بلکه برای کسب اعتبار اجتماعی و جلب توجه انجام می‌دهند (وبلن، ۱۳۸۶: ۷۶). هدف اصلی وبلن این بود که بررسی کند افراد چگونه به منزلت و جایگاه اجتماعی دست می‌یابند. وی در بررسی‌هایش «ثروت را عامل اساسی تمایز بین افراد و رسیدن به جایگاه‌های برتر اجتماعی یافت که باید نمود بیرونی داشته باشد. به بیانی دیگر، مالکیت ثروت می‌تواند پول اجتماعی غیرنقدی بسیار ارزشمندتری نسبت به دلارهای نقدی به ما عطا کند (کاریگن، ۲۰۰۴: ۲۱). براین اساس، وبلن از مصرف متظاهرانه^۱ و نمایشی طبقه تن‌آسا بحث می‌کند که افراد آن سعی دارند با مصرف اموری متفاوت، خویش و طبقه‌شان را از دیگران متمایز سازند. مصرف لباس برجسته‌ترین نمود مصرف متظاهرانه طبقات است. تهیه لباس مردم را وامی‌دارد تا حدی از راحتی و ضرورت‌های زندگی خویش بکاهد تا آنچه را حد مطلوب مصرف تظاهری است، به نمایش گذارند. از این‌رو، عادی است که در محیطی رسمی، فرد لباس ناراحت بپوشد تا خوش‌پوش جلوه نماید» (وبلن، ۱۳۸۶: ۲ - ۱۹۱). براساس نظریه وبلن و از خلال بحث‌هایش می‌توان گفت که سبک زندگی افراد از خلال اعمال و کردارها (فعالیت‌های فراغتی)، خودآرایی (نوع پوشش و پیروی از مُد)، شیوه‌های تغذیه و ... قابل درک و شناسایی است.

زیمل، مصرف و مد را از خلال مفهوم تمایز اجتماعی تبیین می‌کند. وی بر این باور است که با ورود به عصر مدرنیته، فردیت انسان در عصر مدرن شکل گرفته است، اما این فردیت جدید تحت فشار ساختارهای جامعه مدرن است و مصرف و مُدگرایی یکی از راه‌های رهایی از این فشارهاست. او در مقاله مُد به این نتیجه می‌رسد که مردم به مُدهای جدید و متفاوت سریع‌تر جذب می‌شوند، زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند و

^۱ Conspicuous Consumption

هویتی را که دوست دارند، برای خود بسازند (باکاک، ۱۳۸۱: ۲۶). پیوند میان پویایی مُد و تمایز طبقاتی شاید برجسته‌ترین جنبه نظریه مُد زیمل است که بر مبنای آن مُد به‌مثابه نشانه‌ای متفاوت از سوی طبقات بالاتر برای متمایز کردن خودشان به‌وجود می‌آید و از سوی طبقات پایین‌تر تقلید می‌شود، اما طبقات بالا برای حفظ تمایز و برتری مجدداً مُدهای جدیدی را خلق می‌کنند (کلمنس، ۲۰۰۰: ۵). بنابراین، مصرف کالاهای گوناگون، ایجاد مستمر و پیروی از مد‌های مختلف و ساختن سبک‌های زندگی از سوی افراد هم به ایشان هویت می‌بخشد و هم آنان را از یکدیگر متمایز می‌سازد. زیمل معتقد است: «سبک زندگی عینیت بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است، نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگران این یکتایی را درک کنند» (زیمل، ۱۹۹۰: ۴۶۳). شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مُد)، نوع مسکن (معماری و اثاثیه)، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، فضای مفهومی سبک زندگی را در دیدگاه زیمل شکل می‌بخشد.

و بر، مفهوم سبک زندگی را برای تبیین و تشریح قشربندی و نابرابری اجتماعی به کار می‌گیرد. وی در مطالعات گسترده تاریخی خود روشن ساخت که نمی‌توان کنش‌های اجتماعی را صرفاً با اتکا به مفاهیم اقتصادی درک کرد، چرا که حتی در ارزیابی منافع اقتصادی نیز اندیشه‌های ناشی از خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مؤثرند (بندیکس، ۱۳۸۵: ۹۸). مفاهیم سبک زندگی و مصرف نتیجه بسط و تفسیر و بر از بحث انتخاب‌ها^۱ و شانس‌های زندگی^۲ و گروه‌های منزلتی هستند. و بر متغیرهای قشربندی نظیر سن، جنسیت و قومیت را شانس‌های زندگی معرفی نمود و بیان کرد که این شانس‌ها بر انتخاب‌های فرد (از جمله انتخاب سبک زندگی) تأثیر فراوان دارند. پس مراد از انتخاب این است که سبک زندگی باید انتخابی باشد و فرد خود آن را برگزیند (کوکرهام و

همکاران، ۲۰۰۲)، اما موقعیت منزلتی به «هر جزء از سرنوشت انسان‌ها که از طریق ارزیابی مثبت یا منفی از حیثیت (آبروی) اجتماعی تعیین می‌شود» اشاره دارد (و بر، ۱۳۸۲: ۲۱۴). از نظر و بر، سبک زندگی ناشی از جایگاه فرد در جامعه است. جامعه از گروه‌های مختلف تشکیل شده و این گروه‌ها با جایگاه‌های گوناگون، سبک‌های زندگی متفاوتی دارند و تمایزشان در آن چیزی است که مصرف می‌کنند (فرولیچ و پاتوین، ۱۹۹۹). مؤلفه‌های سبک زندگی مورد نظر و بر، شیوه‌های کردار و عمل، طرز لباس پوشیدن و سخن گفتن، در کل اندیشه‌ها و رفتارهای نشان‌دهنده گروه منزلتی متمایز هستند.

از نظر گیدنز، انسان‌ها به‌مثابه عاملانی اجتماعی قدرت باز اندیشی^۳ دارند. بازاندیشی، یعنی این که افراد یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی (تخصصی) را مرتباً در سازمان‌دهی مجدد خویش به کار می‌گیرند و خصلتشان را دگرگون می‌سازند. یکی از پیامدهای عمده این بازاندیشی در دنیای مدرن، پیدایش سبک‌های زندگی است. بازتابی بودن سبک‌های زندگی بدین معناست که هر سبک زندگی در متن خود معنایی ضرورتاً باز و نامتعیین دارد و بنابراین، قطعی نبودن معنای سبک زندگی؛ یعنی نفی امکان تبیین کافی معنا توسط تعیین‌کننده‌های ساختاری. «به علت باز بودن زندگی اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعدد مراجع مقتدر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه، به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۷). سبک زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد، زیرا نه فقط نیازهای جاری و روزمره او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌سازد. در دوره مدرن به دلیل تنوع انتخاب و سبک‌های گوناگون زندگی، افراد به ناچار سبکی را اتخاذ می‌کنند تا از معضل تصمیم‌گیری در هر موقعیت خاصی رهایی یابند، اما این کار بر تغییر هویت شخص و بازتعریف

¹ Choices

² Life Chances

³ Reflexivity

آن تأثیر بسزایی می‌گذارد (همان: ۱۱۹). عادات لباس پوشیدن، خوردن، محیط‌های مورد پسند برای تعامل با دیگران، کار و حرفه افراد، رژیم غذایی و ... از جمله مؤلفه‌های سبک زندگی مورد نظر گیدنز هستند.

اما بوردیو، سرآمد نظریه‌پردازانی است که در مورد مصرف و سبک زندگی بحث کرده‌اند. کتاب *تمایز*^۱ او پیوندی ایده‌آل بین نظریه‌های کلاسیک مصرف و بحث‌های جدید سبک زندگی برقرار می‌سازد (پترسون، ۲۰۰۶: ۴۳). بوردیو در پی آن بود نشان دهد که گروه‌های فرادست و فرودست در جامعه درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان برای تثبیت موقعیت و هویت اجتماعی خود هستند و در این راه مصرف و به‌ویژه مصرف فرهنگی عاملی اساسی است. وی استدلال می‌کند که سرمایه و مصرف فرهنگی (حوزه تولید فرهنگی) این کارکرد اجتماعی را دارد که تمایزات اجتماعی را مشروعیت بخشد (استوری، ۱۳۸۹: ۲۶۸). طبقه مسلط با ارزشمند نشان دادن معیارهای فرهنگی و سبک زندگی خود سعی می‌کند موقعیت مسلط خود را حفظ کند. درباره شکل‌گیری سبک زندگی نیز معتقد است شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به ایجاد عادت‌واره ویژه‌ای منتهی می‌گردد. عادت‌واره مولد دو دسته نظام است؛ نظامی برای ایجاد اعمال قابل طبقه‌بندی و نظامی برای ادراکات و ذائقه‌ها. نتیجه نهایی تعامل این دو نظام، شکل‌گیری سبک زندگی است. به‌عبارتی دیگر، عادت‌واره به‌واسطه نظام ترجیحاتی که شکل می‌دهد، موقعیت افراد در جایگاه‌های اجتماعی را مشخص می‌سازد و این نظام ترجیحات، سبک زندگی اجتماعی خاصی را شکل می‌دهد (دورتیه، ۱۳۸۱: ۲۲۸)؛ یعنی، «سبک زندگی محصول سیستماتیک عادت‌واره است که از لابه‌لای رابطه دو سویه‌اش با عادت‌واره درک می‌شود و به نظامی از نشانه‌ها (نظیر ممتاز، عامیانه و ...) تبدیل می‌گردد که به گونه‌ای اجتماعی ارزیابی می‌شود» (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷۲). به بیانی دقیق‌تر، این مصرف (و به‌ویژه مصرف فرهنگی) است که اجازه بازنمایی سبک‌های زندگی و

ذائقه‌های گوناگون را به افراد می‌دهد و اینکه سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که براساس سرمایه‌های مختلف فرد شکل می‌گیرند، به مصرف کالاهایی منجر می‌شوند که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کنند. بوردیو در کتاب *تمایز* به بررسی این موضوع می‌پردازد که افراد چگونه با گزینش کردن از میان انتخاب‌های مصرفی از بین کالاها، روش‌های لباس پوشیدن، تفریح، غذا خوردن و ... سبک زندگی متمایز خود را برمی‌گزینند و به خود هویت می‌بخشند. به نظر بوردیو، در بررسی سبک زندگی باید به مؤلفه‌های زیر توجه کرد: اول، «دارایی‌هایی که افراد دور خود جمع کرده‌اند، مانند: خانه، ماشین، کتاب‌ها و لباس‌ها؛ دوم، فعالیت‌هایی که فرد با آنها خود را متمایز نشان می‌دهد، نظیر: ورزش، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن خود و ...» (همان، ۴-۱۷۳ و ۲۸۳).

پست مدرن‌ها نیز معتقدند که در جهان پسامدرن، افراد جامعه از سوی نظام سرمایه‌داری به مصرف‌کنندگانی فعال تبدیل می‌شوند (باومن، ۱۳۸۴: ۲۰۴). و بر این اساس، به جای تأکید بر مفهوم طبقه، بر مصرف و سبک زندگی به‌عنوان متغیرهایی اساسی در جامعه امروزی تأکید می‌کنند^۲ (اوشاگنسی، ۲۰۰۲: ۱۱۵). امروزه افراد سبک زندگی و الگوهای مصرف خویش را اختیاری و دلخواهانه بر می‌گزینند. رفتارهای مصرفی و انتخاب‌های افراد از عوامل ساختاری نظیر طبقه، جنسیت و قومیت چندان تبعیت نکرده و آنها بیشتر بر مبنای علائق و منافع شخصی انتخاب می‌نمایند (گیبیز و بوریمر، ۱۳۸۴: ۱۱۰). افراد با وجود داشتن هویتی مشابه ممکن است سبک‌های زندگی و الگوهای متمایزی از مصرف داشته باشند. و علت این امر همان مسأله انتخاب و کنشگری افراد است. مردم در گذشته سبک زندگی پدران خویش را ادامه می‌دادند، اما امروزه دیگر برای بسیاری از مردم این امکان وجود ندارد که شغل گذشتگان خویش را برگزینند. از سویی، مردم به

^۲ نظریه‌پردازانی که تحقق عصر پست مدرنیسم را نیز قبول ندارند (نظیر گیدنز)، بر این نظر تأکید دارند.

^۱ Distinction

استفاده از روش کیفی ملزم نمود (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱؛ فلیک، ۱۳۸۸).

همه روش‌ها و دیدگاه‌های کیفی در چارچوب پارادایم تفسیرگرایی قرار دارند. فرض اساسی پارادایم تفسیرگرایی آن است که انسان‌ها موجوداتی خلاق، مبتکر و معناساز هستند که به جهان اجتماعی خود معنا و نظم می‌بخشند و بر این اساس، افراد عادی از طریق مکانیسم تعامل‌های روزمره در فرآیند خلق نظام‌های معنا درگیر هستند. از این نظر، زندگی اجتماعی مبتنی بر تعامل‌های اجتماعی و معانی سطح خردی است که به طور اجتماعی ساخته، برساخته و بازاندیشی می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹). از بین روش‌های مختلفی که برای تحقیقات کیفی می‌توان از آنها استفاده کرد، ما از روش نظریه‌مبنایی بهره خواهیم گرفت. نظریه‌مبنایی، کشف نظریه از داده‌هاست که به صورت استقرایی و بر مبنای تحقیق اجتماعی تولید می‌شود (دانیشان، ۲۰۰۶: ۱۸۴). نظریه‌مبنایی به‌خاطر همین ویژگی مبتنی بودن بر داده‌های تجربی و واقعی می‌تواند نقشی مهم در پُر کردن خلأ میان نظریه و پژوهش تجربی داشته باشد (ایمان، ۳۳۲).

نظریه‌مبنایی از سه عنصر اصلی ساخته شده که عبارتند از: مفاهیم^۲، مقولات^۳ و گزاره‌ها^۴. مفاهیم واحدهای اصلی تحلیل هستند، مقولات نیز در مقایسه با مفاهیمی که بیانگر آنها هستند، سطح بالاتری دارند و انتزاعی‌تر هستند. شناختن مقولات، هم مانند مفاهیم سطح پایین‌تر، از راه همان فرآیند تحلیلی مقایسه برای نشان دادن همانندی‌ها و تفاوت‌ها انجام می‌گیرد. مقولات سنگ‌بنای نظریه‌سازی هستند و ابزارهایی را فراهم می‌آورند که به کمک آنها می‌توان نظریه را ادغام کرد. گزاره‌ها نشان دهنده روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن و همچنین روابط بین مقولات ناپیوسته هستند. البته، لزوماً یافته‌ها را نمی‌توان در قالب مدلی نهایی تحلیل کرد و می‌توانند فقط در سطح اریه یک سنخ‌شناسی^۵ ویژه از مقوله‌ها

لحاظ فرهنگی رها شده‌اند و الگوها و محدودیت‌های سستی آنها را در قید و بند قرار نمی‌دهد و از سوی دیگر، سبک‌های زندگی پست مدرن بسیار ناهمگون و نامتجانس‌تر از گذشته هستند. زیست - جهان‌ها^۱ بسیار متکثر و سیال شده‌اند و فرد ممکن است در حوزه‌های گوناگون خصوصی و عمومی در حرکت و نوسان باشد. در این زیست - جهان‌های فرد، جهان‌های متفاوتی وجود دارند که در آنها جنبه‌های گوناگونی از سبک زندگی شخص برجسته می‌شود و این تکثر سبک زندگی شخص را در پی دارد. همچنین، سبک‌های زندگی هرگز ایستا نبوده، مرتباً در حال دگرگونی‌اند؛ فرد ممکن است شغلش را تغییر دهد، به جایی دیگر نقل مکان کند، یا عادات خویش را عوض نماید (همان: ۸-۱۰۲).

روش‌شناسی مطالعه

روش مورد استفاده در این تحقیق کیفی است. روش کیفی برای بررسی مسائلی مناسب است که در آن بر درک عمیق پیچیدگی‌ها، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید می‌شود. سبک زندگی نیز پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و متکثر است؛ یعنی جنبه‌های مبهم و ناشناخته بسیاری دارد و مؤلفه‌ها و عناصری که سبک زندگی را تشکیل می‌دهند، بسیار زیاد بوده، ممکن است نزد افراد متفاوت باشند. از این‌رو، در این تحقیق هم به علت خصوصی و شخصی بودن موضوع و هم نیاز به اطلاع یافتن از جنبه‌ها و زوایای پنهان و کمتر شناخته شده آن، باید از روشی استفاده کرد که این تفاوت‌ها و مسائل را بهتر دریابد، از انعطاف‌پذیری و کشش بیشتری برخوردار بوده و امکان درکی عمیق و گسترده از موضوع را داشته باشد. در واقع، دستیابی به کارکردهای پنهان، فرآیندهای ذهنی و عینی فعال دخیل در فعالیت افراد، کشف و پرده برداشتن از زوایای پنهان و ناشناخته، شناخت عناصر مهم، درک عمیق و ظریف‌تر کنش و ساختار فعالیت افراد ما را به

² Concept

³ Categories

⁴ Propositions

⁵ Typology

باقی بمانند. سنخ‌شناسی یکی از انواع روش‌های طبقه‌بندی یا رده‌بندی است که در آن محقق دو یا چند مفهوم تک بُعدی و ساده را ترکیب می‌کند، بدین منظور که نقاط اشتراک مفاهیم ساده، مفهوم جدیدی را شکل دهد. مفهوم یا سنخ جدید، ارتباط پیچیده بین مفاهیم ساده را روشن می‌سازد (نیومن^۱، ۱۹۹۷: ۴۲). از آنجا که هیچ دستگاه مفهومی نمی‌تواند در مورد تنوع زیاد پدیده‌های جزئی همه واقیعت را بیان دارد، گزینش و انتزاع در همه علوم وجود دارد. سنخ‌ها، نظیر نمونه‌های آرمانی، تجربیدهایی فکری یا مدل‌هایی از روابط یا فرآیندهای اجتماعی بوده، جنبه ابزاری دارند و برای بررسی‌های مقایسه‌ای روشی بنیادی فراهم می‌آورند. گونه‌هایی که از تحقیقات حاصل می‌آیند، نمی‌توانند جنبه‌های واقعی و عینی پدیده‌ها را به‌طور کامل بشناسانند و مصداق عینی واقیعت باشند. «قدرت تبیین هر سنخ‌شناسی بسته به این است که تا چه حد می‌تواند همسانی و مشابهت اعضای هر مقوله را به حداکثر برساند و نیز حداکثر اختلاف را میان مقوله‌ها و سنخ‌ها برقرار سازد» (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۴). این سنخ‌شناسی یا مدل نهایی نتیجه کاوش، چینش و برقراری رابطه‌های روشمند و سیستماتیک میان مفاهیم حساسیت برانگیزی^۲ هستند که بر اساس سازه‌های مفهومی از بطن اظهارات افراد مورد مطالعه واقع شده انتخاب و حاصل شده‌اند (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۳). بر این مبنا، پژوهشگری که نظریه مبنایی را به‌عنوان روش تحقیق خودش برگزیده است، کار خود را با مفهومی آغاز می‌کند که به‌طور کلی تعریف شده است و سپس دست به پالایش دقیق معانی می‌زند تا مفهوم و مقوله هسته عیان و حاصل شود. در این رهیافت، پژوهش ماهیت تکوینی پیدا می‌کند و تحلیل داده‌ها نیز تبدیل به فعالیتی باز و استقرایی می‌شود و در چنین مطالعاتی که خصلت کیفی دارند، داده‌های اصلی اولیه به یکی از دو زبان، «زبان فنی پژوهشگر» یا «زبان روزانه پاسخگویان»، تولید

می‌شوند. این زبان‌ها برای توصیف رفتارها، روابط اجتماعی، فرایندهای اجتماعی، نهادهای اجتماعی و به‌خصوص معناهایی که مردم به فعالیت‌های خود و دیگران و همچنین به اشیا و زمینه‌های اجتماعی می‌دهند، به‌کار می‌روند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۱).

براساس آنچه در بالا گفته شد، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه مبنایی از سه مرحله تشکیل شده است. با توجه به این که در پژوهش حاضر به دنبال سنخ‌شناسی هستیم، به دو مرحله آن بسنده می‌شود. در مرحله اول، ابتدا نکات عمده و هر آنچه را که می‌توانست واژه‌هایی برای نامیدن واقیعت‌ها باشد، استخراج کردیم و برای هر یک از موارد کُدی در نظر گرفته شد. این مرحله، کُدگذاری آزاد یا باز است که به مفهوم‌بندی تکه‌هایی از داده‌ها با عنوان یک نام، یا برجسب‌هایی که به‌طور همزمان هر قطعه از داده‌ها را تلخیص و تشریح می‌کند اشاره دارد. سپس، در ادامه همین مرحله، با مقایسه کُدها با یکدیگر، کُدهای متداخل و مشابه را شناسایی و با تعیین و مرتب کردن مفاهیم، هر کدام از کُدهای مشابه و مشترک را در قالب یک مقوله واحد جای دادیم. مرحله بعد، کُدگذاری محوری است که در این مرحله، هدف یافتن روابط بین مقوله‌ها و زیر مقوله‌هاست. این کار با استفاده از یک پارادایم کُدگذاری انجام می‌گیرد که شامل اندیشیدن درباره شرایطی نظیر این است که هر مقوله چگونه به وجود می‌آید، در چه بستری عمل می‌کند و پیامدهایش چیست؟ سپس مقوله یا مقوله‌های محوری و مرکزی را انتخاب و روایتی توصیفی درباره آنها بیان کرده‌ایم. در این تحقیق ما نیز سعی کردیم براساس مفاهیم و مقوله‌ها فرآیند تحلیل را انجام دهیم. ابتدا مفاهیم و سپس مقولات را استخراج کردیم. مقولاتی که بیشترین تکرار را داشتند و در نهایت، براساس متن هر مصاحبه و مقایسه آنها با یکدیگر و توجه به وجوه مشترک و متمایزشان، سبک‌های زندگی موجود را شناسایی نمودیم.

¹ Neuman

² Sensitive Concepts

و سبک زندگی مورد توجه دیگر شهرهای گردنشین و حتی غیر گردنشین بوده و هست. تغییر و دگرگونی‌های ناشی از توسعه، موقعیت خاص جغرافیایی این شهر و وجود امکانات مناسب شهر مهاباد در مقایسه با دیگر شهرهای گردنشین اطراف باعث مهاجرت فراوان مردم از شهرها و روستاهای اطراف به این شهر شده است. نکته مهم در اینجا آن است که مهاباد اجتماعی قومی است و توجه به عناصر قومی در آن برجستگی و نمود زیادی دارد. اگرچه تنوعات سبک زندگی بیشتر متأثر از فرآیندهای جهانی است، اما هنوز برخی سعی دارند در برابر امواج جهانی شدن و برای مقابله و مقاومت در برابر آن به خاص‌گرایی روی بیاورند. یکی از ابزارهای این مقاومت توجه به مؤلفه‌ها و عناصر سبک زندگی قومی است. استفاده از لباس‌ها و غذاهای محلی، گذاشتن اسامی گردی بر روی فرزندان، گوش دادن به موسیقی محلی و مطالعه کتاب‌های مربوط به قوم خویش، حساسیت نسبت زبان و آداب و رسوم محلی - قومی و ... برخی از عواملی است که اهمیت و برجستگی عناصر و نمادهای قومی را نزد مردم نشان می‌دهد. بررسی سبک‌های زندگی موجود در مهاباد در بطن و بافت خود این شهر، ما را به درک و فهم بهتر این مسائل یاری می‌دهد.

نمونه‌گیری این تحقیق نیز هم‌نوا با تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری نظری^۴ است. گلاسر و اشتراوس^۵ معتقدند: نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرآیند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این راه تحلیلگر به‌طور هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آنها را کجا پیدا کند تا نظریه خود را آن‌طور که خودش ظهور می‌یابد، توسعه دهد (محمدپور، ۱۳۸۹). در این فرآیند انتخاب نمونه‌ها به این بستگی دارد که نمونه‌ای که قرار است برگزیده شود تا چه اندازه می‌تواند برای ایده‌ای که در

برای ارزیابی قابلیت اعتماد داده‌ها و یافته‌های کیفی معیارها و شاخص‌های گوناگونی توسط روش‌شناسان کیفی ارائه شده است. با این حال، عمده‌ترین و متداول‌ترین روش‌ها و معیارهای اعتباریابی اطلاعات و گزارش‌های کیفی، صرف زمان زیاد^۱ در میدان مطالعه، زاویه‌بندی^۲، توصیف عمیق و غنی از تجارب مطلعان، روش اعتبار پاسخگو و یا کنترل توسط اعضای^۳ مشارکت‌کننده است (کراسول، ۲۰۰۷: ۲۰۸-۲۰۹). در این راستا، محققان به عنوان بخشی از میدان مورد مطالعه، زمان زیادی را در میدان مطالعه سپری نمودیم تا بتوانیم توصیف عمیقی از این میدان به عمل آوریم. همچنین، گزارش و یا کلیات گزارش تحقیق برای بررسی و اظهار نظر به افراد مورد مصاحبه و یا مطلعان برگردانده شد و اطلاعات و تحلیل‌های انجام شده به روش کنترل توسط اعضا و یا اعتبار پاسخگو ارزیابی شد. در این پژوهش نیز تلاش گردید تا در فرایند رفت و برگشتی پژوهش، رضایت آگاهانه و مشارکت داوطلبانه مصاحبه‌شوندگان جلب شود و هویت مصاحبه‌شوندگان ناشناس بماند و به حریم خصوصی افراد و به حقوق آنها احترام گذاشته شود و در ارائه نتایج تحقیق، رازداری و صداقت لحاظ شود.

میدان مطالعه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری بررسی حاضر شهرستان مهاباد است. این شهر در فاصله ۱۱۶ کیلومتری ارومیه (مرکز استان آذربایجان غربی) و در بین شهرستان‌های سردشت، بوکان، پیرانشهر، نقده و میان‌دوآب و در جنوب غربی استان واقع شده است. بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ خورشیدی، جمعیت این شهر حدود ۱۳۵۷۸۰ نفر بوده که در این میان جوانان پسرگروه سنی ۲۹ - ۱۸ سال را که حدود ۱۹۰۱۳ نفر هستند، به‌عنوان میدان مورد مطالعه مد نظر قرار دادیم. شهر مهاباد از نظر فرهنگی، شیوه‌های مصرف در زمینه‌های مختلف

¹ Prolonged time

² triangulation

³ Member checking

⁴ Theoretical Sampling

⁵ Glaser & Strauss

صورت پذیرفت و در نهایت، شش سبک زندگی استخراج شد که در ادامه درباره هر یک توضیحاتی داده خواهد شد.

سبک زندگی پیشامدرن

سبک زندگی پیشامدرن زندگی براساس فرهنگ، اصول و ارزش‌های نسل گذشته است. آن‌گونه که گذشتگان آنان جامعه‌پذیر شده‌اند، نسل جوان نیز بر همان اساس جامعه‌پذیر می‌شود و خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای جامعه‌پذیرکننده، هویتی پیشامدرن و مبتنی بر گفتمان مسلط برای وی شکل می‌دهند و زندگی آنان با زندگی والدینشان پیوند و همخوانی دارد. این افراد که به خانواده‌های سطوح پایین جامعه تعلق دارند؛ یعنی هم سرمایه فرهنگی و هم سرمایه اقتصادی مناسبی نداشته و بیشتر در تأمین هزینه‌های زندگی خود و خانواده نقش زیادی دارند، به جای عاملیت داشتن و انتخاب سبک زندگی خویش، زندگی والدین را الگوی زندگی خود قرار می‌دهند و با آن هم‌نواپی می‌کنند. در تک تک کنش‌های این افراد می‌توان نفوذ این عوامل و شرایط را ملاحظه کرد.

در بحث از مصرف فرهنگی این افراد باید چنین گفت که موسیقی مورد علاقه این افراد، موسیقی سنتی با تأکید بر موسیقی کُردی است. این افراد همان نوع موسیقی‌ای که والدینشان گوش می‌دهند و همان خوانندگانی را که آنان مورد توجه قرار می‌دهند، دوست دارند. در واقع، تحت تأثیر و به نوعی به پیروی از والدینشان ذائقه موسیقایی آنان شکل می‌گیرد. سهراب، ۲۳ ساله، فوق دیپلم ادبیات فارسی چنین می‌گوید:

«موسیقی سنتی برای من آرام‌دهنده روح و روان است و همان‌گونه که بزرگان و پیشینیان بیان داشته‌اند، چاشنی روان انسان و بهترین وسیله برای تسکین روح است. موسیقی سنتی بر شخصیت و رفتار انسان بسیار تأثیر می‌گذارد و تا حدی آنها را تعیین می‌کند و شخصیت انسان را هم بازنمایی می‌کند».

مطالعه رسانه‌های مکتوب چندان از سوی این جوانان مورد توجه نیست و گاهی هم که مطالعه می‌کنند، کتاب‌های

حال تدوین و شکل‌گیری است، روشنی‌بخش باشد و به جریان در حال حرکت چه‌اندازه کمک می‌کند. تصمیم‌گیری‌های مربوط به جریان نمونه‌گیری برای جستجوی اطلاعاتی اخذ می‌شوند که بر داده‌ها و مطالبی که پیشتر گردآوری و دانشی از دل آنها بیرون کشیده شده است، بیشترین آگاهی بخشی را داشته باشند، اما فرآیند نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که اصطلاحاً به اشباع نظری^۱ رسیده باشیم. به عبارتی دیگر، در نمونه‌گیری کیفی تعداد افراد نمونه را با معیار اشباع نظری تعیین می‌کنند؛ بدین معنا که هر زمان محقق به این نتیجه رسید که انجام بیشتر مصاحبه، اطلاعات و بینش جدیدی در اختیارش نمی‌گذارد و داده‌ها در حال تکرار شدن هستند و چیز تازه‌ای کشف نمی‌شود، نمونه‌گیری و جریان گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند (همان: ۳۲۶). در واقع، در تحقیق کیفی، نمونه‌گیری در جریان تحقیق و در فرآیند تحلیل داده‌ها انجام می‌گیرد و می‌توان آن را با حذف و یا افزودن جنبه‌ها و موارد خاصی تکمیل کرد. در تنظیم نمونه‌گیری سعی کردیم تا سن، سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی را در انتخاب نمونه‌ها مد نظر قرار دهیم. علاوه بر این، در این تحقیق به دلیل فرض متکثر بودن سبک‌های زندگی و برای به دست آوردن نتایج بهتر و کامل‌تر، مفهوم نمونه‌گیری با حداکثر تغییرات را نیز مورد توجه قرار دادیم. نمونه‌گیری با حداکثر تغییرات، محیط‌ها، فعالیت‌ها، رویدادها و افراد مطلع عمداً طوری انتخاب می‌شوند که وضعیت‌های هرچه متفاوت و متنوع‌تر را در دسترس پژوهشگر قرار دهند (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۸۱). در مطالعه حاضر، با مصاحبه با ۱۸ نفر از مطلعان به اشباع نظری دست پیدا کردیم، اما نظر به اهمیت و گستردگی موضوع تحت مطالعه، مصاحبه‌ها را تا ۲۵ فقره ادامه دادیم.

یافته‌ها و داده‌ها

بررسی و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه‌مبنایی

¹ Theoretical Saturation

عامه پسند و یا دینی هستند و کمتر از جریان‌های جهانی و روزمره با خبر هستند. تماشای برنامه و مجموعه‌های تلویزیونی یکی از کارهای این افراد است که معمولاً به همراه خانواده و به شیوه زمان‌های گذشته کنار یکدیگر به تماشای تلویزیون مشغول می‌شوند. این جایی است که جامعه‌پذیری براساس ارزش‌های حاکم انجام می‌پذیرد. در خانواده جوانان پیشامدرن ماهواره وجود ندارد و مانند گذشته بدون احساس نیاز به ماهواره زندگی می‌کنند. اینترنت هم به فضای زندگی این افراد وارد نشده است و صرفاً از دور با آن آشنایی دارند که پیامد زندگی در دنیای کنونی است. "مصطفی"، ۲۳ ساله، تحصیلات دبیرستان و کارگر، پدر بی‌سواد، می‌گوید:

«به آهنگ‌های کُردی قدیمی مثل زیرک، ماملی، علی مردان خیلی علاقه دارم و آنها را بخشی از زندگی، فرهنگ و گذشته خود می‌دانم. با شنیدن آنها واقعاً آرام می‌شوم... گاهی روزنامه و مجلات کُردی و یا با موضوعات اجتماعی و حوادث را می‌خوانم و گاهی هم کتاب... بیشتر با خانواده سریال می‌بینم و ماهواره هم نداریم... با اینترنت هم سروکار ندارم و با آن آشنا هم نیستم.»

جوانان دارای سبک زندگی پیشامدرن کم ورزش می‌کنند و بیشتر برای تأمین هزینه‌های زندگی کار و فعالیت دارند. به دلایل مختلف، از جمله کار، زیاد با دوستان نیز مراوده و معاشرت ندارند و براساس اصول خانوادگی و توصیه‌های والدین معمولاً با افرادی نظیر خود روابط دوستانه دارند. مسافرت و گردش رفتن در این خانواده‌ها اصلاً باب نیست. اموری نظیر مسافرت و رفتن به گردش در سبک زندگی پیشامدرن بسیار کم است و گاهی به گردش‌های آخر هفته با رویکردی پیشامدرن؛ یعنی، حضور در مکان‌هایی به دور از چشم دیگران می‌روند. حضور در دیگر فضاهای عمومی نظیر پارک و خیابان هم کم اتفاق می‌افتد؛ گاهی در پارک حضور می‌یابند و در خیابان هم بیشتر برای تأمین مایحتاج و ضروریات حاضر می‌شوند.

اولویت هزینه‌ای این افراد خانواده است و به طور معمول با والدین در هزینه‌های خانوادگی مشارکت دارند و پولی را

که به دست می‌آورند، در اختیار پدر خود قرار می‌دهند. پوشش آنها بیشتر کُردی و ساده است و هزینه کمی برای آن می‌پردازند. معمولاً چون در خانواده‌شان این نوع لباس‌ها مورد توجه نیست، سعی می‌کنند کاری کنند که رضایت خاطر والدین را جلب کنند و به توصیه‌های آنان در پوشیدن لباس و عدم پیروی از مد و صرف هزینه بیهوده برای آن گوش سپارند. این جوانان به غذاهای محلی که سنتی هستند و بیشتر مواد آن محصول محل زندگی آنان است، علاقه دارند و مایل هستند که در خانه و کنار دیگر اعضای خانواده غذا بخورند. این موارد خود آشکارا نشان از سبک زندگی پیشامدرن دارد. به مدیریت بدن خویش اهمیت می‌دهند، اما به شیوه‌ای پیشامدرن؛ سر و ریش خود را به طور مرتب و به دور از مدهای مختلف اصلاح می‌کنند. با جراحی زیبایی و پلاستیک مخالف بوده، معتقدند نباید در کار خدا دست برد. از وسایلی نظیر ادکلن، زیر بغل و... نیز خیلی کم و در مواردی خاص استفاده می‌کنند. نسبت به تناسب اندام خود حساسیت ندارند و در واقع، وقت و انگیزه فکر کردن به این چیزها را ندارند. "دیاکو"، ۲۵ ساله، دبیرستان و جوشکار، تحصیلات پدر نهضت، در این باره می‌گوید:

«بیشتر درآمد را برای خانواده خرج می‌کنم... غذاهای سنتی را خیلی دوست دارم و دلم می‌خواهد همیشه کنار جمع خانواده غذا بخورم... لباس ساده و معمولی می‌پوشم. دوست ندارم لباسی بپوشم که زننده باشد و جلب توجه کند... سر و ریشم را معمولی اصلاح می‌کنم، با جراحی مخالفم. گذشتگان که نداشتند، مردند؟... معمولاً از کرم برای کم کردن ترک‌های دستم استفاده می‌کنم...»

در شاخص‌های اعتقادی نیز به الگوها و ارزش‌های پیشامدرن توجه دارند. با صدای قرآن و اذان آرامش می‌یابند. به خدا و دین اعتقاد دارند، اما آن را از والدین به ارث برده‌اند و غالباً خود تلاشی برای شناخت و جستجو برای رسیدن به دین و باوری شخصی ندارند و سعی می‌کنند تا به گفته‌های دیگران در مورد دین گوش ندهند و همیشه بیانات والدین

خود را مبنای ایمان خود قرار می‌دهند. در مکان‌های مذهبی نظیر مسجد حضور می‌یابند و از احکام دینی هم تا حدودی آگاهی دارند. به شیوه والدین خود معتقدند که باید در جامعه حجاب وجود داشته باشد و افراد هم باید براساس عرف و اعتقادات مذهبی آن را رعایت کنند. رابطه کنونی بین دختر و پسر را قبول ندارند و معتقدند باید روابط بسیار محدود و صرفاً با هدف ازدواج و زیر نظر والدین باشد. میزان نظارت والدین بر این افراد بسیار زیاد است. سخنان "سعدی"، ۲۱ ساله، تحصیلات دیپلم و مغازه‌دار، پدر بی‌سواد، گویای همین بحث است:

«به خدا و دین ایمان دارم و همیشه به حرف‌های والدینم که به من می‌گویند، گوش می‌دهم ... نماز و واجبات را به جا می‌آورم و از احکام دینی هم آگاهی دارم ... حجاب باید باشد، چون بی‌بندوباری زیاد می‌شود، باید همه آن‌را رعایت کنند ... روابط دختر و پسر باید محدود باشد ... والدین باید نظارت و کنترل بر فرزندان داشته باشند و مواظب کارهای آنان باشند ...».

این سبک زندگی بر هویت اجتماعی فرد در سطوح مختلف تأثیر فراوان دارد. تحصیلات پایین و دسترسی کمتر به تکنولوژی‌های ارتباطی باعث روی آوردن جوانان به الگوهای متعارف ارزشی، هنجاری و کنشی می‌شود. این مسائل باعث می‌شود افراد بیشتر به عرف و ارزش‌های حاکم بر جامعه توجه داشته باشند و کمتر از روند حاکم بر جهان و یا حتی کشور تأثیر بپذیرند؛ یعنی هویتی متعارف پیدا می‌کنند. این جوانان در زمینه هویت دینی نیز ضمن توجه زیاد به دین و آموزه‌های آن، از ورود عناصر مدرن در هویت دینی خویش جلوگیری می‌کنند؛ یعنی، سبک زندگی پیشامدرن هویت اجتماعی متناسب با خودی را در جوانان شکل می‌بخشد.

سبک زندگی مدرن

افرادی که در چارچوب این سبک زندگی می‌کنند، افرادی مصرف‌گرا، مدگرا، دارای هویتی مدرن هستند که از الگوهای غربی نظیر بازیگران و خوانندگان بسیار تقلید می‌کنند. زندگی

آنها حول مفاهیم و معیارهای مدرن شکل می‌گیرد و افراد معتقد به آن در پی ساختن هویتی مدرن و متمایز برای خویش هستند و در این راه از عاملیت و اختیار خویش استفاده می‌کنند. در این نوع سبک زندگی، قدرت نهادهای سنتی جامعه‌پذیرکننده با افول مواجه می‌گردد. افراد دارای سبک زندگی مدرن بیشتر جزو خانواده‌هایی هستند که از سرمایه فرهنگی پایین و سرمایه اقتصادی بالایی برخوردارند؛ هم خود و هم والدین آنها فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند، در حالی که، از نظر مالی در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارند و معمولاً ثروت فراوانی دارند.

افراد مدرن موسیقی مدرن گوش می‌دهند، غالباً به موسیقی پاپ و راک با خوانندگانی نظیر انریکو، مدرن تاکنینگ و ... علاقه دارند. مجلات و روزنامه‌های داخلی را اصلاً مطالعه نمی‌کنند، زیرا آنچه برای این جوانان دارای ارزش است، از سوی مطبوعات نفی و مذموم شمرده می‌شود و هیچ ارزشی برای آن قائل نیستند. اما، حوزه کتاب کمی میانه‌روتر است و می‌تواند برخی از کتاب‌های مورد علاقه خویش نظیر رمان‌های مشهور دنیا، کتاب‌های شعر و ... را در آن بیابند. تلویزیون ایران نیز در تضاد با علایق آنها قرار دارد و میلی به تماشای آن ندارند. در مقابل، از ماهواره و اینترنت برای تماشای آهنگ‌های مورد علاقه و یا فیلم‌های سینمایی و دانلود آهنگ، عکس و وب گردی به میزان گسترده استفاده می‌کنند. برای مصادیق این سبک زندگی به پاسخ‌های "ریبوار"، ۲۲ ساله، تحصیلات دیپلم، بیکار، تحصیلات پدر بی‌سواد، استناد می‌کنیم:

«موسیقی راک و پاپ خارجی را خیلی گوش می‌دهم و خیلی کم به فارسی یا کردی علاقه دارم ... مطبوعات را اصلاً، ولی بعضاً کتاب می‌خوانم ... از ماهواره و اینترنت هم برای کارهای مربوط به موسیقی، فیلم و ... استفاده می‌کنم ...».

فراغت این جوانان با کارهایی مدرن سپری می‌شود. ورزش یکی از برنامه‌های روزانه و مهم برای آنهاست. برای

بهداشتی نظیر: اسپری، ادکلن، زیر بغل، چسب مو و اسپری نیز به طور چشمگیری وجود دارد. حساسیت این افراد نسبت به تناسب اندام و وزن خود بسیار بالا بوده، از امکانات مدرن، نظیر: داروهای لاغری و چاقی، رژیم‌های غذایی و مراجعه به پزشک در کنار انجام ورزش استفاده می‌کنند. گفته‌های "فرشید"، ۲۴ ساله، در این خصوص شنیدنی است:

«از پول‌هایم برای خوش‌گذرانی و خرید لباس استفاده می‌کنم ... به غذاهای جدید مثل ماکارونی علاقه دارم ... لباس اسپورت مد روز با مارک خارجی می‌پوشم ... خیلی به ظاهرم می‌رسم و آرایشگر مخصوصی دارم ... از لوازم آرایشی که بیشتر مارک خارجی دارند، استفاده می‌کنم تا خوشبو باشم ... از داروهای لاغری برای کاهش وزنم استفاده کرده‌ام و زیاد هم پیش دکتر می‌روم ...»

جوانان مدرن به خدا ایمان دارند و آن را موجودی که انسان را آفریده و صاحب قدرت بیشتری است قبول دارند، اما دین و احکام مختلف آن را قبول نداشته، فرایض و واجبات دینی را نیز انجام نمی‌دهند. حجاب را قبول ندارند و براین باور هستند که نباید از قوه قهریه به هیچ وجه بهره گرفت، زیرا انسان آزاد آفریده شده است. در مورد روابط دختر و پسر معتقد به آزادی کامل و عدم نظارت و کنترل از سوی خانواده و نهادهای مختلف کنترل‌کننده در جامعه هستند. این افراد می‌خواهند در روابط خویش کاملاً صاحب اختیار بوده، از دوره جوانی خویش لذت ببرند. علاوه بر این، این دیدگاه را نیز مطرح می‌کنند که نباید والدین به نظارت بر فرزندان خویش روی بیاورند و با پرس‌وجو از آنان زمینه ناراحتی و عقده‌ای شدن آنان را فراهم نمایند، بلکه پس از گذران دوره نوجوانی به آنها اختیار و آزادی بیشتری بدهند تا خود برای خویش تصمیم‌گیری کنند. "ربوار"، ۲۲ ساله، نگاه خود را نسبت به دینداری این‌گونه توصیف می‌کند:

«فقط خدا را قبول دارم ... برای به جا آوردن نماز و روزه خیلی سست هستم و از احکام دینی آگاهی اندک دارم ... با حجاب مخالفم و باید براساس کشورهای غربی این مسئله را حل کرد ... روابط دختر و پسر باید از هرگونه

خوش‌گذرانی و داشتن لحظاتی خوش زیاد با دوستان خویش وقت فراغت خود را می‌گذرانند. سفرهای مجردی و به دور از چشم خانواده‌ها و فرار از نظارت آنها، یکی از کارهای جوانان دارای سبک زندگی مدرن است. این افراد از برنامه‌ها و به ویژه فیلم‌ها و بازیگران کشورهای غربی تقلید می‌کنند و کمتر براساس عرف و آنچه مقبول اجتماع است رفتار می‌کنند. گردش و تفریح هم زیاد می‌روند و به طور زیاد در فضاهای عمومی، نظیر: پارک، خیابان و مراکز خرید حاضر می‌شوند. جالب این‌که پرسه‌زنی و خریدهای تفریحی نیز در برنامه زندگی این افراد وجود دارد. حضور در مهمانی‌ها و پارتی‌های به دور از چشم والدین و برخلاف هنجارهای پذیرفته شده اجتماع، مصرف مشروبات الکلی در این مراسم‌ها و جاهای دیگر نیز، از جمله نمادهای سبک زندگی مدرن جوانان مورد بحث است. "کیوان"، ۲۵ ساله، در این خصوص نظراتش را این‌گونه بیان می‌کند:

«برای زیبایی اندام خیلی بدن‌سازی می‌روم ... وقتم را زیاد با دوستان سپری می‌کنم و با آنها خیلی شاد می‌شوم ... سفرهای مجردی زیاد می‌روم و می‌خواهیم از جوانی و زندگی مان لذت ببریم ... با دوستانم خیلی گردش می‌رویم و زیاد تو پارک و خیابان هستیم ...»

بیشترین هزینه این دسته از جوانان برای مناجار شخصی است و هزینه‌هایی نظیر خرید لباس و کارت شارژ تلفن بیشترین پول را از آنان می‌ستاند. بر خلاف افراد سنتی، ترجیح می‌دهند غذاهای بیرون را با دوستان خویش در فضاهایی جدا از خانه میل کنند. کنار والدین را محدودیت می‌دانند، ولی بیرون به آنها آزادی و امکان بیشتری می‌بخشد. پوشش این افراد اسپورت است، از اسپورت ساده تا پیچیده و عجیب‌ترین مدل‌هایش. در پوشیدن این نوع لباس تقلید و مدگرایی بیداد می‌کند و معمولاً مارک لباس‌های خارجی را انتخاب می‌کنند. برای موی سر مدل‌های مختلفی، نظیر: سیخ، دیزلی، بهزادی و مساکی را استفاده می‌کنند. با جراحی‌های پلاستیک و زیبایی هم موافق بوده، معتقدند هر چیزی که در جهت زیباتر شدن باشد، پسندیده و خوب است. استفاده از لوازم آرایشی و

فشار و محدودیت دور باشد ... والدین نیز نباید فرزندانشان را تحت فشار قرار دهند و برای آنان تصمیم بگیرند ...».

این افراد با داشتن سبک زندگی مدرن هویتی مدرن و برون‌گرا کسب می‌کنند و از شرایط حاکم بر جهان تأثیر فراوان می‌پذیرند. ورود عناصر مدرنیته و نمادهای آن که بحث شد، باعث شکل دادن هویتی جهانی می‌شود و فرد به عام‌گرایی روی می‌آورد. هویت قومی برای فرد ارزش چندانی ندارد و تفکری جهانی خواهد داشت. تأثیر جایگاه اجتماعی و داشتن سرمایه اقتصادی بالا در توجه جوانان به عناصر مدرنیته قابل توجه است که با داشتن شرایط اقتصادی مناسب به مصرف مدرن روی می‌آورند. توجه به فرآیندهای مدرن در بحث از هویت دینی نماد بیشتری دارد، افرادی که سبک زندگی مدرن دارند، توجه کمتری به مذهب دارند.

اما، بحثی که با عنوان سبک زندگی مدرن مطرح شد و به بیان ویژگی‌هایش پرداختیم، بخشی از کلیت سبک زندگی مدرن است. در واقع، سبک زندگی مدرن کلیتی یکپارچه، منسجم و مشخص نیست که بتوان آن را تحت یک عنوان کلی نام نهاد. همین تکثر و چندبعدی بودن زندگی مدرن باعث می‌شود که جنبه‌ها و اشکال مختلفی به خود بگیرد. از این‌رو، قبل از بیان سبک‌های دیگر که در ادامه می‌آیند، باید گفت که همه آنان به نوعی تحت تسلط افکار، تحولات و مسائل مدرن قرار دارند و در هر یک از آنان می‌توان نمودهای زندگی مدرن را یافت. به عبارتی دیگر، با وجود نقاط اشتراکی که می‌توان برای آن نوع سبک زندگی که تحت تأثیر دنیای مدرن است، برشمرد، نقاط افتراق و تمایزی نیز در آن وجود دارد که باعث شکل‌گیری سبک‌هایی متنوع تحت لوای مدرنیته می‌شود.

سبک زندگی علمی

همان‌گونه که از عنوان این سبک نمایان است، علم و نقش آن در دادن رویکردی علمی به افراد برجسته است و افراد در انجام تمام کارها و جنبه‌های زندگی خویش دیدی علمی دارند. وجود این سبک زندگی، نشان از اهمیت و گستردگی

نگاه علمی در زندگی بشر دارد و این نکته را نشان می‌دهد که امروزه بسیاری از مردم با علمی دیدن و داشتن رویکردی علمی از روند حاکم بر جهان؛ یعنی علم‌گرایی پیروی کرده، در پی ساختن زندگی و هویتی تازه برای خویش هستند. جوانان متعلق به سبک زندگی علمی در خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا زندگی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هم از نظر سرمایه فرهنگی در وضعیت مناسبی قرار دارند و هم به لحاظ سرمایه اقتصادی جزو درآمدهای متوسط و بالای جامعه هستند. همان‌طور که بورديو معتقد است، افراد با داشتن انواع سرمایه و به‌ویژه فرهنگی نوع خاصی از کالاها را مصرف کرده، اعتقادات خاصی را بروز می‌دهد و هویت منحصر به فرد و متمایزی را برای خود باز می‌آفریند و سبک زندگی خود را شکل می‌دهد. این مسأله در بین این افراد هم وجود دارد و سرمایه فرهنگی بالا در بین این جوانان باعث شده که سبک زندگی‌ای سراسر علمی داشته باشند و در زندگی آنها کنش‌های علمی بسیار به چشم آید.

این افراد موسیقی بی‌کلام و یا سنتی گوش می‌دهند که لحن و محتوایی نرم و دلنشین دارد و به لحاظ علمی تأثیرات مثبت آن اثبات شده است. در حوزه مطبوعات و کتاب، آنچه توجه بیشتری از سوی جوانان به آن معطوف است، منابع و مکتوباتی علمی هستند که میزان دانش و آگاهی افراد را بالا می‌برد. رسانه‌های بصری را نیز با اهدافی علمی تماشا می‌کنند. برنامه‌های علمی صدا و سیما، به‌ویژه مستندهای شبکه چهار و اخبار مختلف ماهواره به همراه برنامه‌های علمی دیگر بخش زیادی از وقت این افراد هنگام تماشای تلویزیون و ماهواره را به خود اختصاص می‌دهد. جستجوی منابع و مقالات علمی، استفاده از امکانات ارتباطی، نظیر ایمیل و مراجعه به سایت‌های علمی در کنار امور روزمره و کارهای دیگر، میزان استفاده زیاد جوانان دارای سبک زندگی علمی از اینترنت را نمایان می‌سازد. مصادیق این نوع از سبک زندگی را می‌توان در گفته‌های "چیاکو"، ۲۶ ساله، فوق لیسانس، تحصیلات پدر لیسانس، پیدا نمود:

«بیشتر موسیقی آرام و بی‌کلام گوش می‌دهم ... روزنامه و

طبع و موادی طبیعی و مفید دارند، روی می‌آورند. پوشش آنان رسمی و متعارف است و اصلاً مدگرا نیستند، زیرا بیشتر در محیط‌های علمی و فرهنگی حضور می‌یابند. مدیریت بدن نیز برای آنها مهم است و به رسیدگی به ظاهر خویش اهمیت فراوان می‌دهند و معتقدند در مواردی که جراحی پلاستیک باعث بهبود شرایط زندگی فرد می‌شود، می‌توان از دستاوردهای علمی استفاده کرد. از وسایل بهداشتی نیز در حد متوسط و معمولی استفاده می‌کنند. حساسیت این افراد نسبت به تناسب اندام و وزن زیاد است و سعی می‌کنند با ورزش و رعایت رژیم غذایی درست و اصولی اندامی ایده‌آل داشته باشند. "چیاکو"، ۲۶ ساله، فوق لیسانس، اولویت‌های هزینه‌ای خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«خانواده و منابع و امکانات علمی بیشترین هزینه‌های زندگی‌ام هستند ... غذاهای محلی را که با مکانیسم بدن سازگاری بیشتری دارند، مصرف می‌کنم ... به خاطر شغل و موقعیت لباس رسمی می‌پوشم ... به نظافت و اصلاح سر و صورت زیاد اهمیت می‌دهم و با ورزش و رژیم غذایی به تناسب اندام می‌رسم ...».

این افراد رویکردی متعادل و چندگانه و تا حدی علمی به دین دارند و ضمن اعتقاد به خدا و دین با مطالعه و بازانندی به آن رسیده‌اند. در مورد حجاب هم رویکردی فردگرایانه به حجاب داشته، آن را امری شخصی و اختیاری می‌دانند. در مورد رابطه دختر و پسر به اصول علمی و این نکته توجه دارند که به لحاظ علمی اثبات شده که عدم رابطه آثار سوء بیشتری دارد، اما با آزادی کامل نیز موافق نیستند و بر این باورند که با آموزش علمی و درست می‌توان برای برقراری ارتباطی سالم بسترسازی کرد. در مورد روابط والدین با فرزندان نیز اظهار می‌کنند که تربیت صحیح و ایجاد فضایی دوستانه و صمیمی از سوی والدین با فرزندان می‌تواند زمینه داشتن آینده‌ای بسیار روشن برای فرزندان باشد و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کند. "هیوا"، ۲۵ ساله، کارشناسی ارشد تاریخ، دینداری خود را این‌گونه توصیف می‌نماید:

مجلات و کتاب علمی خیلی زیاد مطالعه می‌کنم. به مسائل علمی خیلی علاقه دارم و در زمینه‌های گوناگون علمی مطالعه می‌کنم ... اگر تلویزیون نگاه کنم، صرفاً برنامه‌های علمی می‌بینم. برنامه‌های مستند شبکه چهار، به‌ویژه برنامه‌های علمی و فیلم‌های مستندی - تاریخی را خیلی دوست دارم ... ماهواره هم نگاه می‌کنم، بشتر اخبار و مستندهای علمی ... از اینترنت خیلی استفاده می‌کنم. برای دسترسی به مقالات و سایت‌های مختلف علمی و دانلود کتاب خیلی سراغ اینترنت می‌رم».

این افراد به نتایج ورزش بر سلامتی و شادابی جسم و روح باور دارند و هیچ چیز را بهتر از آن برای داشتن بدنی سالم نمی‌یابند. بیشتر افرادی که با آنها دوست هستند و گاهی فراغت خویش را با آنان می‌گذرانند، همکار و یا هم‌کلاسی بوده و یا در زمینه کاری و شغلی با هم در ارتباط هستند و از این فراغت و بیکاری با هدف یادگیری و حسن استفاده از یکدیگر سود می‌برند. سفر برای حضور در همایش، سمینار، اردوهای علمی و نمایشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی و علمی بیشترین مسافرت‌های این جوانان را شامل می‌شود. این افراد بیشتر در مکان‌هایی نظیر کتابخانه، مجتمع‌های فرهنگی و خانه مشغول انجام فعالیت‌های علمی هستند و برای خرید وسایل مورد نیاز به خیابان می‌روند. "نیما"، ۲۶ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، نحوه گذران فراغت خود را این‌گونه توصیف می‌نماید:

«برای تندرستی و شادابی زیاد با دوستانم ورزش می‌کنم و فراغتم را هم پر می‌کنم ... بیشتر دوستانم، همکاران کاری‌ام هستند و کم و بیش بیرون هم با هم هستیم ... بیشتر سفرهایم برای شرکت در مراسم‌های علمی و حضور در نمایشگاه‌های کتاب است ...».

اولویت هزینه‌ای این افراد خانواده است و نسبت به آن احساس تعهد داشته، برای تأمین هزینه‌های آن تلاش می‌کنند. در کنار این برای سفرهای علمی و خرید کتاب و امکانات مختلف علمی نیز پول زیادی می‌پردازند. براساس نتایج تحقیقات علمی که غذاهای جدید را مضر و سرشار از مواد مصنوعی می‌دانند، این افراد نیز به خوردن غذاهای سنتی که

«به خدا و دین با مطالعه کتاب‌ها و تفکر ایمان آورده‌ام ... واجبات دینی را زیاد مرتب نمی‌خوانم و خیلی بین آنها وقفه می‌افتد ... حجاب مسأله‌ای شخصی است و هر کس اختیار دارد که آن را رعایت کند یا نه و نباید کسی را ملزم به رعایتش کرد ... دختر و پسر باید با هم رابطه‌ای اصولی و محدود داشته باشند، عدم داشتن ارتباط زبان‌های بیشتری به دنبال دارد ... والدین باید نظارتی درست و منطقی بر فرزندان خویش داشته باشند ...».

سبک زندگی ورزش محور

جوانانی که این سبک زندگی را دارند، غالباً جزو خانواده‌هایی هستند که سرمایه اقتصادی متوسط و سرمایه فرهنگی پایینی دارند. این افراد معمولاً از اقشار متوسط جامعه هستند که درآمد‌هایی معمولی دارند و اکثر آنان هم خود و هم والدینشان تحصیلات دانشگاهی نداشته، سبک زندگی آنها حکایت از وابستگی شدید به ورزش دارد. در واقع، ورزش جزء اساسی و لاینفک زندگی آنهاست و بیشتر کنش‌ها و فعالیت‌های ایشان کنش‌هایی ورزشی یا متأثر از ورزش است و هویت و شخصیتی کاملاً ورزشی دارند و در میان مردم به عنوان ورزشکار شناخته می‌شوند. افراد دارای سبک زندگی ورزشی، خود برای خویش این نوع زندگی را برگزیده‌اند و تمام شرایط مرتبط با آن را نیز پذیرفته و مسائل و مشکلات احتمالی را هم پیش‌بینی می‌کنند. در یک کلام می‌توان گفت که برای این افراد ورزش به مثابه زندگی است.

روزنامه و مجلاتی را مطالعه می‌کنند که ورزشی باشد و نیازهای ورزشی آنان را برطرف سازد. کتاب‌های ورزشی نیز در کنار دیگر کتاب‌ها، بخشی مهم از زمان زندگی آنها را پر می‌کند. جالب اینکه برنامه‌های تلویزیون داخلی و ماهواره را نیز با هدف نگاه کردن به برنامه‌ها و مسابقات و اخبار ورزشی پیگیری می‌کنند و صرفاً ورزش آرمان این جوانان است. اینترنت هم منبعی برای پیگیری اخبار و رویدادهای ورزشی است. "سوران"، ۱۹ ساله، فوق دیپلم و مغازه‌دار، تحصیلات پدر ابتدایی، یکی از این جوانان است:

«مطالعه روزنامه‌ها و مجلات ورزشی یکی از کارهای ثابت و روزمره من است ... کتاب‌های ورزشی نیز زیاد مطالعه می‌کنم، به‌ویژه درباره رشته‌ام فوتبال ... هدف اصلی‌ام از نگاه کردن به تلویزیون مسابقات ورزشی است و کمتر برنامه و مسابقه ورزشی‌ای است که نگاه نکنم ... نود درصد وقتم هنگام تماشای ماهواره صرف برنامه‌های ورزشی می‌شود مخصوصاً برنامه کانال‌های ورزشی، نظیر ذبی اسپورت. و کانال‌های مشابه. بازی‌های قدیمی و اخبار ورزشی هم زیاد می‌بینم ... از اینترنت هم گاهی که نمی‌رسم از تلویزیون و ماهواره اخبار ورزشی را پیگیری کنم، استفاده می‌نمایم ...».

این افراد جدا از توجه به ورزش به مثابه ابزاری برای تندرستی، ورزش را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنند و علاوه بر حضور در تیم‌های شهرستان و استانی، در مسابقات مختلف کشوری نیز حضور یافته و عناوینی را هم کسب کرده‌اند. ورزش برای این افراد بخشی از زندگی و وجودشان شده است که نمی‌توانند بدون آن زندگی کنند. "بهمن"، ۱۹ ساله، تحصیلات دبیرستان، مغازه‌دار و تحصیلات پدر سیکل، در این باره می‌گوید:

«ورزش وزنه‌برداری را هم به خاطر سلامتی بدن و البته به خاطر علاقه‌ام به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهم و قهرمان مسابقات کشوری هم شده‌ام. زندگی‌ام بیشتر حول ورزش است و بخشی اساسی از فعالیت‌های زندگی‌ام ورزش و فعالیت‌های مربوط به ورزش است.».

دیگر فعالیت‌های فراغتی این جوانان نیز کاملاً ورزشی است؛ مثلاً با دوستانی وقت خود را می‌گذرانند که همفکر و جملگی ورزشکار بوده و می‌توانند از فضای شکل گرفته برای بحث از ورزش استفاده نمایند یا با هم به انجام تمرین و مسابقه بپردازند و خلاصه برای یکدیگر دوستانی ورزشی باشند. جالب این‌که سفرهای این گروه از جوانان نیز سفرهایی ورزشی است و این افراد چون با ورزش پیوند خورده‌اند، کمتر فرصت مسافرت با خانواده را دارند و غالب اوقات برای انجام مسابقات ورزشی به همراه سایر ورزشکاران و مربیان

خویش به سفر می‌روند. گفته‌های "سوران"، ۱۹ ساله، گویای همین بحث است:

«با چند تا دوست که آنها هم مثل خودم ورزشکار هستند هم به تمرین می‌روم و هم شب‌ها بیرون و در مورد ورزش و خبرهای مربوط به آن بحث می‌کنیم. رفاقتان با محوریت ورزش است ... بیشتر مسافرت‌های ورزشی می‌روم. تازگی به شهرهای همدان، مشهد و اراک رفته‌ام و کمتر با خانواده وقت می‌کنم سفر بروم.»

اولویت هزینه‌ای برای این افراد در کنار مصرف کارت شارژ تلفن همراه، خرید لباس به‌ویژه لباس‌های اسپورت است. در این خرید هم به مارک‌های ورزشی توجه دارند و بیشتر لباس‌های اسپورت می‌پوشند تا هم به آنان زیبایی بخشد و هم همان هویت ورزشکارانه خویش را حفظ کنند. این افراد به خاطر حفظ شرایط بدنی و سلامت جسم غذاهای محلی مصرف می‌کنند، نه غذاهای جدید و فست فود. حساسیت این افراد نسبت به تناسب وزن هم که طبیعتاً بسیار بالاست و به خاطر ورزشکار بودن تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرند تا اندامی مناسب داشته باشند و برای رسیدن به آن علاوه بر ورزش مستمر رژیم غذایی را هم تا حدودی مورد توجه قرار می‌دهند. "بهمن"، ۱۹ ساله، اولویت‌های هزینه‌ای خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«بیشتر هزینه‌ام برای شارژ موبایل و البته لباس است ... در این میان، تیپ اسپورت را خیلی دوست دارم. هم زیباست و هم این‌که به خاطر این‌که ورزشکارم و همه من را چهره‌ای ورزشی می‌شناسند. باید این لباس را بپوشم تا نشان‌دهنده شخصیت ورزش‌کارانه‌ام باشد ... بیشتر لباس‌هایی را که مارک اسپورت نظیر نایک و آدیداس دارند، می‌گیرم ... به دلیل این‌که ورزش می‌کنم، باید غذاهای طبیعی بخورم نه مصنوعی و تازه ... از ادکلن و اسپری‌های با مارک ورزشی و غیر ورزشی هم استفاده می‌کنم ... نسبت به تناسب اندامم خیلی حساسم و برای حفظ آن ورزش بیشتر و رژیم غذایی را مد نظر دارم ...»

افرادی که این سبک زندگی را دارند، بیشتر جزو خانواده‌هایی هستند که سرمایه اقتصادی بالایی دارند؛ یا فرد یا خانواده‌اش ثروتمند بوده و از نظر اقتصادی در وضعیت مناسبی هستند. از سوی دیگر، این گروه از نظر فرهنگی سرمایه پایینی دارند؛ یعنی هم خود و هم پدران آنان تحصیلات کم و غیر دانشگاهی دارند. این موارد باعث می‌شود که جوانان با توجه به داشتن شرایط مالی مناسب صرفاً به دنبال به وجود آوردن زندگی و فضایی شاد برای خویش باشند. آنها با این امر هم از شرایط اجتماعی نامناسب حاکم بر زندگی و جامعه فرار می‌کنند و هم از ثروت خویش برای خوش‌گذرانی و شاد شدن استفاده می‌نمایند.

در مورد موسیقی ذائقه اصلی این افراد گوش دادن به موسیقی‌هایی شاد نظیر آهنگ‌های کُردی محلی است. جوانان این سبک زندگی خود اذعان دارند که با موسیقی شاد می‌توانند کمی از فضای سرد و کسل‌کننده حاکم بر جامعه دور شوند و لحظاتی دلنشین داشته باشند. این طیف از جوانان علاقه و تمایلی برای مطالعه روزنامه، مجله و کتاب ندارند. دلیل عدم علاقه آنان به رسانه‌های مکتوب، نبود آن چیزی است که معتقدند می‌تواند آنها را شاد کند. این افراد بیشتر ترجیح می‌دهند رسانه‌های دیداری، به‌ویژه ماهواره و برنامه‌های شادی که دارد (مخصوصاً کانال‌های کُردی) تماشا کنند. نکته جالب در مورد این گروه از جوانان آن است که با این‌که از سرمایه اقتصادی مناسبی برخوردارند و می‌توانند برنامه‌های شاد مورد نظر خویش را به راحتی در فضای مجازی پیدا کنند، اما هیچ‌کدام از رایانه استفاده نمی‌کنند. گفته‌های "چیا"، ۲۱ ساله، درباره مصرف فرهنگی گویای همین بحث است:

«... آهنگ‌های شاد کُردی گوش می‌دهم، سردشتی، خلیفانی و خوانندگان شاد تا کمی از فضای غمناک حاکم بر زندگی دورم کنند و این‌که دوست ندارم پیر بشوم ... به روزنامه، مجله و کتاب اصلاً علاقه ندارم، چیز شادی در آنها نیست که به دردم بخورد ... برنامه‌های تلویزیون هم به جای شاد کردن بیشتر غمگینم می‌کند، اما ماهواره

اختصاص می‌دهد تا بیشتر چهره‌ای شاداب از خویش به نمایش بگذارد، تمایل بیشتری به استفاده از لوازمی نظیر ادکلن، زیر بغل و ... دارد و این کارها را وسیله‌ای برای سرزندگی و نشاط بیشتر می‌داند. "فاروق"، ۲۰ ساله، همین مطالب را بیان می‌کند:

«... برای خوشگذرانی خودم خیلی خرج می‌کنم ... دوست دارم غذاهای محلی را جایی بخورم که شاد و پر جنب و جوش باشد ... دوست دارم لباسی شیک و تک بپوشم؛ به گونه‌ای که نظر دیگران به من جلب شود. البته، نه با لباسی جلف، بلکه شیک و بسیار زیبا و البته، شاد ...! وقتی شاد باشم، خیلی به خودم می‌رسم تا بیشتر چهره‌ای سرمست و سرزنده از خودم نشان بدهم ...».

از آنجا که این افراد سرمایه فرهنگی پایینی دارند، کمتر به چالش‌های فکری در زمینه دینی رسیده و برای جستجوی شخصی و مطالعه در باب دین قدم برداشته‌اند. این افراد غالباً هویتی انتسابی و ایمانی ارثی از نسل گذشته خود به یادگار دارند و از آنجا که بیشتر به دنبال شادابی هستند و تفریحات را مبنایی برای زندگی خویش می‌دانند، کمتر به سمت مسائل دینی سوق داده می‌شوند و یا علاقه‌ای به آن دارند.

• سبک زندگی جهان محلی

دیگر سبک زندگی موجود در شهر مهاباد که از قبل قابل پیش‌بینی بود، سبک زندگی قومی است. این شهر یکی از مکان‌هایی است که می‌توان برجستگی هویت قومی و به عبارت کلی، سبک زندگی قومی را در آن ملاحظه نمود. در بررسی متن مصاحبه‌ها، وجود این مسأله چشمگیر بود و در مصاحبه‌های مختلف به شناسه‌های فرهنگ قومی و توجه به اصل و ریشه خود از سوی جوانان برخورد نمودیم، اما در کنار توجه ویژه به زندگی قومی خویش به برخی شناسه‌های زندگی مدرن نیز توجه داشتند. در واقع، در برخی موارد همزمان به شناسه‌های قومی و مدرن توجه نشان می‌دهند و در زندگی قومی آنان رویکردی مدرن وجود دارد. این افراد بیشتر متعلق به خانواده‌هایی از سطوح بالای جامعه هستند؛ سرمایه

خیلی نگاه می‌کنم و بیشتر برنامه‌های شبکه‌های کردی و مخصوصاً آهنگ‌های شادش را ... از اینترنت اصلاً سردر نمی‌آورم ...».

جوانان شادزیست ورزش نمی‌کنند و به جای آن بیشتر وقت خود را با دوستان می‌گذرانند و به شادابی‌ای که مد نظرشان است، در کنار دوستان خویش می‌رسند. کمتر مسافرت می‌روند و بر خلاف آن، گردش و تفریح نزد این افراد بسیار زیاد است و کمتر پیش می‌آید در محیط خانه بنشینند. آنها معتقدند با شاد شدن می‌توانند به عنوان فردی شناخته شوند که همیشه شاداب و سرزنده است. در واقع، این افراد برای رسیدن به هویتی منحصر به فرد و متمایز تلاش دارند و دنبال سبکی برای زندگی هستند که احساس می‌کنند نیاز زندگی آنهاست. این افراد در فضاهای عمومی نظیر پارک و خیابان هم زیاد حضور می‌یابند و به همراه دوستان خویش به انجام تفریح و یا بحث مشغول هستند تا لحظاتی شاد را برای یکدیگر رقم بزنند. "فاروق"، ۲۰ ساله، دیپلم و بیکار، پدر بی‌سواد، در این باره می‌گوید:

«... خیلی با دوستانم هستم، با آنها به شادی‌ای که می‌خواهم می‌رسم ... گاهی که با دوستانم به مسافرت می‌روم، خیلی خوش گذشته و واقعاً سرحال آمدم ... کار اصلی‌ام در زندگی گردش و تفریح است، پارک‌های مخالف شهر و اطراف شهر، خیابان و جاهای دیگر همیشه حضور دارم و با دوستانم مشغول تفریح و انجام بازی‌هایی مثل تخته نرد هستیم ...».

این افراد بیشترین هزینه‌ها را برای خوشگذرانی‌های شخصی می‌کنند. به تفریح و خوراک و هر چیزی که به آنها شادابی بدهد، توجه دارند و برای آن خرج می‌کنند. جنبه زیبایی‌شناختی و کارکرد زیبایی بخشی پدیده‌های مختلف از جمله لباس برای این طیف از جوانان بسیار مهم است و با این رویکرد به اطراف خویش نگاه می‌کنند. نکته جالب در مورد افرادی که سبک زندگی شاد دارند، آن است که وقتی شاد باشند، به مدیریت بدن اهمیت بیشتری می‌دهند. وقتی که فرد سرحال باشد، وقت بیشتری را به اصلاح سر و ریش

فرهنگی بالا و هم سرمایه متوسطی دارند و تحت تأثیر فراوان این عوامل هستند. بازناندیشی در زندگی آنان نمود دارد و توجه به شناسه‌های قومی باعث خاص‌گرایی صرف و بی‌توجهی به دنیای مدرن و عناصر مختلف آن نشده است. مسائلی نظیر تحصیلات و دسترسی گسترده به رسانه‌های ارتباط جمعی در این امر تأثیر فراوان داشته است.

این جوانان به خواندن روزنامه، مجلات و کتاب‌های مختلف از جمله کُردی علاقه دارند و کم و بیش آثار مکتوب با محوریت زبان و فرهنگ قومی خویش را مطالعه می‌کنند. به برنامه‌های تلویزیون داخلی رغبت چندانی ندارند و معتقدند که در این برنامه‌ها فرهنگ آنها انعکاس چندانی ندارد و به مثابه راهبردی جایگزین به مجاری ارتباطی و اطلاعاتی جدید روی آورده‌اند. آنها با این کار در راه اعتلا و حفظ فرهنگ و ریشه قوم خویش گام برمی‌دارند. نکته دیگر آن است که معتقدان به سبک زندگی قومی از ابزاری مدرن برای حضور در این سبک زندگی استفاده می‌کنند و آن رایانه و فضای مجازی است. گفته‌های، "سیروان"، ۲۴ ساله، لیسانس تاریخ، پدر کارمند، بخشی از این مسائل را تأیید می‌کند:

«من فقط موسیقی کردی، به‌ویژه کردی سنتی گوش می‌دهم: خوانندگانی نظیر ماملی، زیرک، طاهر توفیق و ... را می‌پسندم ... موسیقی کردی سنتی در خون و نژاد و قوم ریشه دارد و برای حفظ و پاسداشت تاریخ قوم این موسیقی را دوست دارم ... روزنامه، مجلات و کتاب‌های که می‌خوانم، بیشتر به کردها و تاریخ و فرهنگ کردها مربوط است. به خاطر توجه و علاقه‌ام به کردها، خیلی کتاب‌های تاریخی، سیاسی و هر کتابی را که درباره کردها نوشته شده باشد مطالعه می‌کنم ...».

نظر "احمد"، ۲۹ ساله، لیسانس علوم دامی، مغازه‌دار، پدر کارمند بازنشسته، نیز چنین است:

«... رغبت چندانی به دیدن برنامه‌های شبکه‌های تلویزیون ندارم. برنامه‌هایش به مذاقم خوش نمی‌آیند. اخبارش سوگیرانه است، طبع خواننده را کامیاب نمی‌کند ... برنامه‌های کردی ماهواره را نگاه می‌کنم ... از اینترنت هم

برای اطلاع از اخبار مربوط به کردها استفاده می‌کنم ...». افراد دارای سبک زندگی جهان محلی دغدغه‌هایی مهم‌تر از ورزش کردن دارند و فراغت خویش را با فعالیت‌هایی غیر از ورزش سپری می‌کنند. این جوانان بیشتر فراغت خود را به گونه‌ای سپری می‌کنند که توجه به قومیت خویش در آن به چشم می‌آید. هنگامی که با دوستان خویش هستند، در مورد مسائل قومی و اخبار و رویدادهای زمان حاضر و یا گذشته بحث می‌کنند و از گذران وقت به بطالت و بیهودگی خودداری می‌کنند. نکته جالبتر در مورد این افراد آن است که سفرهای این افراد هم با رویکرد قومی انجام می‌پذیرد و در بیشتر سفرهای خود سعی می‌کنند به شهرها و مکان‌هایی بروند که متعلق به قوم خویش بوده، آثار و بنا و مکان‌هایی متعلق به کُردها را داشته باشد؛ هر چند که با اهدافی مدرن نظیر آشنایی و شناخت نیز مسافرت می‌روند. "سیروان"، ۲۴ ساله، لیسانس تاریخ، در این باره می‌افزاید:

«کمتر ورزش می‌کنم، وقت ندارم و کارهای مهم‌تری دارم ... با دوستانم زیاد می‌نشینم و درباره مسائل علمی و مسائل روز دنیا به‌ویژه شرایط کردها در گذشته و حال بحث می‌کنیم ... بیشتر مسافرت‌هایی که انجام داده‌ام، به شهرها و مکان‌های متعلق و مربوط به کردها بوده است ... اوقات فراغتم را هم گاهی با مطالعه و یا با بحث با دوستانم می‌گذرانم ...».

این افراد هزینه اصلی زندگی‌شان برای خویش است، اما به جای این که این فقط صرف خوش‌گذرانی و تفریح شود، برای خرید، یا روزنامه و مجلات یا آثار و منابع موجود درباره کردها که با زبان فارسی و کردی منتشر می‌شوند هزینه می‌گردد. به غذاهای محلی علاقه فراوان دارند و آن را نمادی از هویت و سابقه تاریخی خود می‌دانند و احساس تعلق خاصی به آن دارند، اما به برخی غذاهای مدرن نیز توجه دارند. آنها لباس کردی می‌پوشند، زیرا آن را یکی از نمادهای عینی و مهم هویت قومی خویش می‌دانند. این گروه از جوانان از آثار و امکانات مدرن مثل وسایل آرایشی - بهداشتی استفاده می‌کنند و پرداختن به هویت قومی مانع از استفاده از

سبک‌های مختلف زندگی، بین افراد متعلق به آن سبک و سایرین تمایز اجتماعی ایجاد می‌کند یا نه و بالاخره این مسأله مورد توجه قرار گرفت که افراد با توجه به جایگاه اجتماعی (سرمایه فرهنگی، وضعیت اقتصادی و ...) به چه سبک زندگی‌هایی روی آورده، چه تغییراتی در زندگی خویش به وجود می‌آورند.

با توجه به ماهیت پیچیده و چند بُعدی سبک زندگی، مؤلفه‌های مصرف فرهنگی، فعالیت‌های فراغتی، هنجارهای مصرف و شاخص‌های اعتقادی - دینی در مفهوم‌سازی و سنخ‌شناسی سبک زندگی مد نظر قرار گرفت. مهم‌ترین نکته‌ای که در بین جوانان مورد بررسی مشاهده گردید، تأثیر شدید فرآیند مدرن و پدیده پیشرفت تکنولوژیک و فناوری‌های ارتباطی است که زندگی جوانان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. البته، رویکرد مقابله و تا حدی مبارزه با جریان‌های جهانی ساز نیز وجود دارد که به نسبت کمتر است. هویت جوانان در دنیای متغیر و سیال کنونی به شدت دگرگون و نامشخص است و جوانان غالباً دچار سردرگمی و تشتت‌آرا و اعمال هستند؛ هم به پدیده‌های مدرن توجه دارند و هم به شناسه‌های محلی. آنها برای شکل دادن به هویت، خود اقدام کرده و با انتخاب عناصر سبک زندگی مورد نظر خویش، هویت خود را شکل داده، به آن جهت می‌دهند و با این کار خود و سبک زندگی‌شان را از افراد دیگر که دارای سبک زندگی دیگری هستند، متمایز می‌سازند. تمایز بین این افراد کاملاً مشهود است و می‌توان در تک تک عناصر زندگی آنان تفاوت را یافت. بنابراین، سبک زندگی هم هویت بخش است و هم تمایز بخش. همچنین، افراد با حضور در جایگاه‌های اجتماعی متفاوت سبک‌های مجزایی را بر می‌گزینند. برای بررسی بهتر مسائل مطرح شده اشاره‌ای گذرا به مهم‌ترین یافته‌های حاصل از داده‌های میدانی و سبک‌های زندگی شناسایی شده انداخته، درباره آنها بحث خواهیم نمود. سبک زندگی پیشامدرن زندگی براساس فرهنگ، اصول و ارزش‌های نسل گذشته است. نسل جوان براساس همان معیارهایی که والدین وی جامعه‌پذیر شده‌اند، اجتماعی

تجهیزات مدرن نیست. این مسأله حکایت از نوعی سبک زندگی جهان‌محلی دارد که افراد با وجود روی آوردن به قومیت خود، از عام‌گرایی و فرآیندهای حاکم بر دنیا نیز تأثیر می‌پذیرند. باز به گفته‌های "سیروان"، ۲۴ ساله، در این باره توجه می‌کنیم:

«بیشترین هزینه را برای خرید روزنامه، مجله و غالب اوقات کتاب‌های مربوط به کردها می‌پردازم ... به غذاهای محلی خودمان بسیار علاقه دارم. به نظرم ریشه در آب و خاک و تاریخ سرزمین ما؛ یعنی کردستان دارند و در گذر زمان به بخشی از هویت و تاریخ کرد تبدیل شده‌اند و من هم احساس تعلق خاصی به آنها دارم ... لباس کردی هم نشانی مهم از هویت ماست و وظیفه است که باید آن را حفظ کنیم ... از وسایل جدید بهداشتی استفاده می‌کنم و با جراحی پلاستیک و زیبایی مخالف نیستم».

جوانان سبک زندگی جهان‌محلی دین را نماد و عنصری از هویت و قومیت خویش به حساب نمی‌آورند. معتقدان به این مسأله، فقط خدا را به مثابه معنویتی سراسر خوبی قبول دارند که از بشر برتر بوده و او را آفریده است. در مورد حجاب معتقدند افراد باید در رعایت حجاب و یا عدم آن اختیار و امکان انتخاب داشته باشند. این افراد معتقدند باید بستر ارتباط برای جوانان فراهم باشد. پاسخ‌های "احمد"، ۲۹ ساله، لیسانس علوم دامی، مصداق همین بحث است:

«... دین و نمادهایش چیزهایی هستند که با قوم و سرزمین و نژاد سنخیت چندانی ندارند... فقط به خدا ایمان دارم و آن موجودی برتر است که همه چیز به سوی آن در حرکت است ... حجاب امری کاملاً شخصی است و هر کس خواست رعایت کند ...».

برآیند

پژوهش حاضر، با هدف شناسایی و بررسی سبک‌های زندگی موجود در بین جوانان پسر شهر مهاباد به انجام رسیده است: این‌که اساساً چند نوع سبک زندگی در بین جوانان این شهر وجود دارد، انتخاب هر سبک زندگی چگونه در فرآیند شکل‌دهی به هویت فرد نقش ایفا می‌کند و آیا روی آوردن به

کرده‌اند، نوعی گرایش‌های واگرایانه مشهود است و عناصر و نشانگان فرهنگ و سنن قومی و ایرانی به مثابه نشانگان ماقبل مدرن به نوعی به حاشیه رانده شده است. ابعاد آسیب‌زای این سنخ از سبک زندگی در بین جوانان مشهود است.

هر چند علم به مثابه یکی از شاخص‌های مدرنیتیه قلمداد می‌شود، ولی سبک زندگی علمی در بین جوانان مورد بررسی از برخی جهات با سبک زندگی مدرن متفاوت است. این سبک زندگی نیز به عام‌گرایی منجر شده و هویت اجتماعی فرد را در بُعد جهانی تقویت می‌کند؛ یعنی فرد بیشتر به مسائل علمی در سطح کلی و جهانی آن توجه دارد تا محدود شدن در چارچوب مسائل محلی و حتی ملی. با این وصف، جوانان برخوردار از این نوع سبک زندگی، رویکردی تقابلی نسبت به نشانگان فرهنگ و سنن قومی و ایرانی و بُعد اعتقادی ندارند و نوعی رویکرد واقع‌بینانه به همراه بازاندیشی بر جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی آنان حاکم است.

تحرک، نشاط و شادابی از اقتضانات دوره جوانی است و نمود این مشخصه‌ها را می‌توان در سبک‌های زندگی ورزش محور و شادزیست جستجو کرد. جوانانی که سبک زندگی ورزش محور را انتخاب کرده‌اند، بیشتر جزو خانواده‌هایی با سرمایه اقتصادی متوسط و سرمایه فرهنگی پایین هستند. والدین این جوانان نیز به مانند خودشان تحصیلات آکادمیک نداشته و سطح درآمد خانواده آنان متوسط و در حد گذران زندگی است. افراد دارای سبک زندگی ورزش محور خود برای خویش این نوع زندگی را برگزیده‌اند و تمام شرایط مرتبط با آن را نیز پذیرفته و مسائل و مشکلات احتمالی را هم پیش‌بینی می‌کنند. عناصر مدرنیتیه صرفاً بر افکار این جوانان در حوزه ورزش تأثیر نهاده و باعث روی آوردن آنها به ورزش حرفه‌ای و قهرمانی شده است. جوانانی که سبک زندگی شادزیست دارند، بیشتر جزو خانواده‌هایی با سرمایه اقتصادی بالا و سرمایه فرهنگی پایین هستند؛ یا فرد یا خانواده‌اش ثروتمند بوده و از نظر اقتصادی در وضعیت مناسبی هستند، اما هم جوانان و هم پدران آنان تحصیلات کم

می‌شوند و نهادهای مختلف جامعه‌پذیر کننده نظیر خانواده، مدرسه، هویتی سنتی و مبتنی بر گفتمان مسلط برای وی شکل می‌دهند و زندگی آنان با زندگی والدین‌شان پیوند و همخوانی دارد. این افراد هم سرمایه فرهنگی و هم سرمایه اقتصادی مناسبی نداشته و بیشتر در تأمین هزینه‌های زندگی خود و خانواده نقش دارند، زندگی والدین را الگوی زندگی خود قرار می‌دهند و با آن هم‌نواپی می‌کنند. تأثیرپذیری این جوانان از فرآیندهای مدرن بسیار کم است و هویت آنان در سطوح قومی و ملی باقی مانده است و به نوعی شناسه‌های فرهنگ بومی و محلی خود را در ذیل و در طول نشانگان و سنن ایرانی تعریف می‌نمایند. بنابراین، در این نوع از سبک زندگی ضمن پرداختن به فرهنگ و سنن بومی، نوعی هم‌نواپی با فرهنگ و سنن ملی نیز دیده می‌شود. از این رو، سبک زندگی این دسته از جوانان ماهیتی همگرایانه به خود گرفته است.

اما سبک زندگی مدرن نقطه مقابل سبک زندگی پیشامدرن است. افرادی که در چارچوب این سبک زندگی می‌کنند، افرادی مصرف‌گرا، مدرگرا، تنوع طلب و دارای هویتی مدرن و جهانی هستند که از الگوهای غربی نظیر بازیگران و خوانندگان و چهره‌های سرشناس بسیار تقلید می‌کنند و کمتر به شناسه‌های فرهنگ محلی و ایرانی توجه نشان می‌دهند. در واقع، روی آوردن آنان به سبک زندگی مدرن و پیروی از هنجارهای زندگی مدرن، هویت اجتماعی در بعد جهانی را در آنان تقویت می‌نماید؛ یعنی توجه به مسائل و رویدادهای جهانی و تبعیت از آنها در اولویت قرار دارد. در این نوع سبک زندگی قدرت نهادهای سنتی جامعه‌پذیر کننده تضعیف می‌گردد و فناوری‌های ارتباطی نظیر ماهواره و اینترنت از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار خواهند بود. افراد دارای سبک زندگی مدرن بیشتر جزو خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی پایین و سرمایه اقتصادی بالا هستند؛ هم خود و هم والدین آنها فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند، در حالی که، از نظر مالی در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارند. همان‌گونه که گفته شد، در بین آن دسته از جوانانی که این نوع از سبک زندگی را اختیار

و غیر دانشگاهی دارند. این موارد باعث می‌شود که جوانان با توجه به داشتن شرایط مالی مناسب و در اختیار داشتن امکانات زندگی صرفاً به دنبال به وجود آوردن زندگی و فضایی شاد برای خویش باشند. آنها با این امر هم از شرایط اجتماعی نامناسب حاکم بر زندگی و جامعه فرار می‌کنند و هم از ثروت خویش برای خوش‌گذرانی و شاد شدن استفاده می‌نمایند و از فشارهای مختلف بر خویش می‌کاهند. تأثیرپذیری این افراد از عناصر مدرنیته صرفاً در حوزه تکنولوژی‌های ارتباطی نظیر ماهواره بوده است و این مسأله در راستای سبک زندگی انتخابی آنان و برای رسیدن به شادی بیشتر است. سبک زندگی انتخابی این افراد، باعث تقویت هویت اجتماعی در سطوح مختلف می‌شود، زیرا آنچه برای این جوانان اهمیت دارد، شاد زندگی کردن است و از هر وسیله و عاملی چه در سطح محلی، ملی و یا جهانی استقبال می‌کنند. در واقع، بازاندیشی در زندگی این افراد در حاشیه قرار دارد و هدف اصلی و آرمانشان شادزیستن است و همین مسأله دیگر مسائل را به حاشیه رانده است. نکته قابل توجه در خصوص جوانان برخوردار از سبک زندگی شادزیست، این است که در بین این دسته از جوانان کارکرد مفرح‌بخش و تنوع طلب مجراهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی باعث استقبال به این عناصر مدرن شده است، اما ناگفته پیداست که این مجاری ارتباطی ماهیت چندگانه و پیچیده‌ای دارد. به بیان دیگر، نمی‌توان عناصر سخت‌افزاری آن را برگرفت و وجه نرم‌افزاری و فرهنگ معنوی آن را طرد نمود و همین مسأله جوانان این سنخ از سبک زندگی را با چالش و آسیب‌های جدی مواجه می‌کند که همان‌گونه که از خلال داده‌ها به نوعی نشان داده شده است، می‌توان به مسأله ازجاکندگی فرهنگی اشاره نمود. بنابراین، انعکاس هر چه بیشتر سلاقی و علائق جوانان در برنامه‌های شبکه‌های داخلی و دربرگیرنده شدن هر چه بیشتر سیاست‌های معطوف به جوانان می‌تواند در کاهش ابعاد آسیب‌زای این سنخ از سبک زندگی مؤثر باشد.

اما سبک زندگی مهم و قابل توجه در شهر مهاباد، سبک زندگی جهان‌محلی است. البته، ابتدا تصور سبک زندگی قومی می‌رفت، اما با بررسی بیشتر نشانه‌های سبکی هویدا شد که می‌توان آن را جهان‌محلی نامید که در آن همزمان به عناصر و نشانگان هویت محلی و جهانی توجه می‌شود. در سبک زندگی جهان‌محلی توجه به روندها و عناصر مدرن و محلی به طور همزمان وجود دارد و ترکیبی بین هویت قومی و جهانی به چشم می‌آید. افرادی که این سبک زندگی را برگزیده‌اند، دارای سرمایه فرهنگی بالا و درآمد متوسط هستند. این سبک زندگی جالب و قابل توجه است، زیرا دو جنبه کاملاً متفاوت به‌طور همزمان نقش ایفا می‌کنند؛ مثلاً فرد دوست دارد برنامه مختلف کُردی را نگاه کند، اما این با استفاده از ابزارها و تکنولوژی‌هایی کاملاً مدرن و جدید نظیر ماهواره و اینترنت انجام می‌پذیرد. استفاده از رایانه و اینترنت در میان جوانان بسیار زیاد است و آنها با این وسیله بهتر می‌توانند مسائل مربوط به قوم خویش را دنبال کنند، اما جوانان دارای سبک زندگی جهان‌محلی نه تنها خاص‌گرا نیستند و به عام‌گرایی و توجه به شناسه‌های جهانی را الگوی زندگی قرار می‌دهند، بلکه بازاندیشی فراوان دارند و حتی در بین نشانگان هویت قومی نیز برای برخی از ابعاد و مؤلفه‌ها نظیر مذهب و بُعد سرزمینی نقش حاشیه‌ای قائل می‌شوند. در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که همگام با اهمیت فزاینده سبک زندگی در دوره اخیر، نمود این مسأله در جوانان مورد بررسی نیز وجود دارد و سبک زندگی آنان به نوعی هدایتگر زندگی و تعیین‌بخش هویت و هستی آنان است. تنوعی که در سبک‌های زندگی در عصر حاضر وجود دارد، در تحقیق حاضر نیز به چشم آمد و وجود شش سبک زندگی مدعای این مطلب بود. جوانان به عنوان فعالترین قشر جامعه منفعل نیستند و عاملیت خویش را امروزه ارج می‌نهند و برای شکل دادن به سبک‌های زندگی دلخواه خویش می‌کوشند و هر یک با توجه به جایگاه اجتماعی و میزان تأثیرپذیری از روندهای حاکم بر جهان به سبک زندگی

خاصی دسترسی دارند. انتخاب هر سبک زندگی الگوها، هنجارها، کنش‌ها، افکار و به طور کلی هویتی را در فرد شکل می‌دهد که وی را از افرادی که سبک زندگی دیگری را انتخاب می‌کنند، متمایز می‌سازد.

منابع

آزاد ارمکی، تقی و شالچی، وحید. (۱۳۸۴). «دو جهان ایرانی؛ مسجد و کافی شاپ»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۳، ص ۱۶۳-۱۸۴.

ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۹). مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ازدست، نادر. (۱۳۸۸). سبک زندگی و مصرف موسیقی، فیلم و کتاب؛ مطالعه جوانان شهر مهاباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

استوری، جان. (۱۳۸۹). مطالعات فرهنگی؛ درباره فرهنگ عامه، ترجمه: حسین پاینده، تهران: نشر آگه.

باکاک، روبرت. (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه: خسرو صبری، تهران: نشر شیرازه.

باومن، زیگمونت. (۱۳۸۴). اشارت‌های پست مدرنیته، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر ققنوس.

بلیکی، نورمن. (۱۳۸۹). طراحی پژوهش‌های کیفی، ترجمه: حسن چاوشیان، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

بندیکس، رینهارد. (۱۳۸۵). سیمای فکری ماکس وبر، ترجمه: محمود رامبد، تهران: نشر هرمس.

بودریار، ژان. (۱۳۸۹). جامعه مصرفی، ترجمه: پیروز ایزدی، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.

حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۶). سبک زندگی و مطالعات راهبردی، کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

حمیدی، نفیسه و فرجی، حسن. (۱۳۸۶). «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره اول، ص ۶۵-۹۲.

دورتیه، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). پیر بوردیو، ترجمه: مرتضی کتبی، نامه انسان‌شناسی، شماره اول.

ربانی، رسول و رستگار، یاسر. (۱۳۸۷). «جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره بیست و سه و بیست و چهارم، ص ۴۴-۵۳.

ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۶ a). تحول الگوهای سبک زندگی جوانان، کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۶ b). فرهنگ مطالعات جوانان، تهران: نشر آگه.

ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.

ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۹). مصاحبه با روزنامه همشهری، در سایت www.hamshahrionline.ir

ساروخانی، باقر و رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۳). «زنان و باز تعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۶، ص ۱۳۳-۱۶۰.

شفرز، برنهارد. (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه: کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی.

شهبابی، محمود. (۱۳۸۲). «جهانی شدن جوانی؛ خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره پنجم، ص ۲-۲۴.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: نشر صبح صادق.

فلیک، اووه. (۱۳۸۸). در آمدی بر روش تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

گیبیز، جان آر و بوریمر. (۱۳۸۴). سیاست پست مدرنیته، ترجمه: منصور انصاری، تهران: نشر گام نو.

- Clemens, Charles. (2000) *Theories of (management?) fashion; The contributions of Veblen, Simmel, Blumer, and Bourdieu*. Copenhagen Business School.
- Cockerham, William C. and et al. (2002) *Health Lifestyles in Russia and the Socialist Heritage*. University of Alabama at Birmingham, USA.
- Creswell, j.w. (2007) *Qualitative Inquiry and research design: Choosing among five approaches (3rd ed)*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Corrigan, Peter. (2004) *The Sociology of Consumption*. London: Sage.
- Dunican, Enda. (2006) *Initial Experiences of Using Grounded Theory Research in Computer Programming Education*. University of Sussex
- Evans, David and Tim Jackson. (2007) *Towards a Sociology of Sustainable Lifestyles*. University of Surrey.
- Featherstone, Mike. (1991) *Consumer Culture & Postmodernism*. Sage Publication, London.
- Rohlich, Katherine, and Potvin, Louise. (1999) *Collective Lifestyles as the Target for Health Promotion*. Canadian Journal of Public Health.
- Lash, Scott. & Urry, J. (1987) *The End of Organized Capitalism*, Cambridge: Polity.
- Maxwell, Joseph. (2004) *Qualitative Research Design: An Interactive Approach*. Second Edition, London: Sage Publications.
- O'Shaughnessy, Mike. (2002) *Postmodernism and Marketing; Separating the Wheat from the Chaff*. Sage publications.
- Neuman, W.L. (1997) *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, Allyn and Bacon.
- Paterson, Mark. (2006) *Consumption and everyday life*. Routledge
- Simmel, George. (1990) *The Philosophy of Money*. Tom Bohomer and David Frisby (Trans), second enlarged Ed, New York: Routledge.
- Wyn, J. and White, R. (1997) *Rethinking Youth*. London: Sage.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). *تجدّد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- مارشال، کاترین و راسمن، گرچن. (۱۳۸۱). *روش تحقیق کیفی*. ترجمه: علی پارسائیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *ضد روش؛ منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدی، ستار. (۱۳۸۸). *سبک زندگی و هویت اجتماعی؛ مطالعه جوانان شهر سنندج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*. تهران، دفتر اطلاع‌رسانی و پایگاه اطلاعات آماری. سایت www.amar.ir.
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره اول، ص ۱۹۹-۲۳۰.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۲). *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
- وبلن، تورستاین. (۱۳۸۶). *نظریه طبقه تن‌آسا*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ویمر، راجر و دومینیک، جوزف. (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه: کاووس سید امامی، تهران: انتشارات سروش.
- Barber, Benjamin. (1996) *Jihad versus McWorld: How globalism and tribalism are reshaping the world*. New York: Ballantine Books.
- Blaxter, Mildred. (2004) *Health and Lifestyle*. Routledge.
- Bocock, Robert. (1992) *Consumption and lifestyles. Social and Cultural Forms of Modernity*. Open University Press.
- Bourdieu, Pierre. (1984) *Distinction: A social Critique of the judgment of taste*. Routledge.
- Chaney, David. (2002) *Lifestyles*. Routledge.